

قبرستان سعودی

به آمریکا اجازه دخالت در تنگه هرمز را نمی‌دهیم

ویژه

قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص)

سرخنگوی قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) با صدور بیانیه‌ای ضمن محکومیت مآجراجویی‌های مکرر آمریکا در تنگه هرمز، تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران به هیچ عنوان اجازه دخالت واشنگتن در مدیریت این آبراه راهبردی را نخواهد داد و هرگونه همکاری کشورهای منطقه با ارتش آمریکا را تهدیدی مستقیم علیه حاکمیت و امنیت ملی ایران قلمداد کرد. به گفته این مقام نظامی، اقدامات تحریک‌آمیز و شرارت‌های پی در پی نیروهای آمریکایی برای ورود به حوزه مدیریت تنگه هرمز، نه تنها امنیت منطقه و تجارت بین‌المللی را با مخاطره جدی مواجه ساخته، بلکه همکاری برخی کشورهای همسایه با طرف آمریکایی، خطر گسترش جنگ در کل منطقه را به طور چشمگیری افزایش داده است. وی با اشاره به هشدارهای قبلی، اعلام کرد: پیرو هشدارهای پیشین، به هیچ عنوان به آمریکا اجازه دخالت در مدیریت تنگه هرمز را نمی‌دهیم و نخواهیم داد. سرخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا در ادامه تصریح کرد: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با هرگونه اختلال و ناامنی برای عبور و مرور کشتی‌های تجاری و نفتکش که از سوی ارتش متجاوز و راهزن آمریکا خارج از مسیر تعیین‌شده ایران و بدون مجوز نیروهای مسلح ایجاد شود، با شدت برخورد خواهند کرد و اقدامات قدرتمند سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی در روزهای اخیر، گواه روشنی بر این رویه است.

این مقام نظامی خطاب به سران کشورهای منطقه هشدار داد: هرگونه همکاری با آمریکا و پشتیبانی لجستیکی از ارتش متجاوز آن کشور، به منزله جنگ علیه حاکمیت و امنیت ملی ایران تلقی گردیده و در صورت گسترش جنگ در منطقه، شعله‌های آتش، دامن تمام کشورهای منطقه را فرا خواهد گرفت. وی در پایان با تأکید بر اینکه مسئولیت کامل همه ناامنی‌ها و گسترش تنش‌های نظامی در منطقه، متعهد به آمریکا و کشورهایی است که با ارتش جنایتکار آن همکاری می‌کنند، خاطر نشان کرد: نیروهای مسلح ایران با آمادگی کامل، هرگونه تهدید را رصد و پاسخ قاطع خواهند داد.

عضو جنبش انصارالله: رژیم سعودی با حمله به یمن متوجه خواهد شد که قبر خودش را با دست خود حفر کرده است

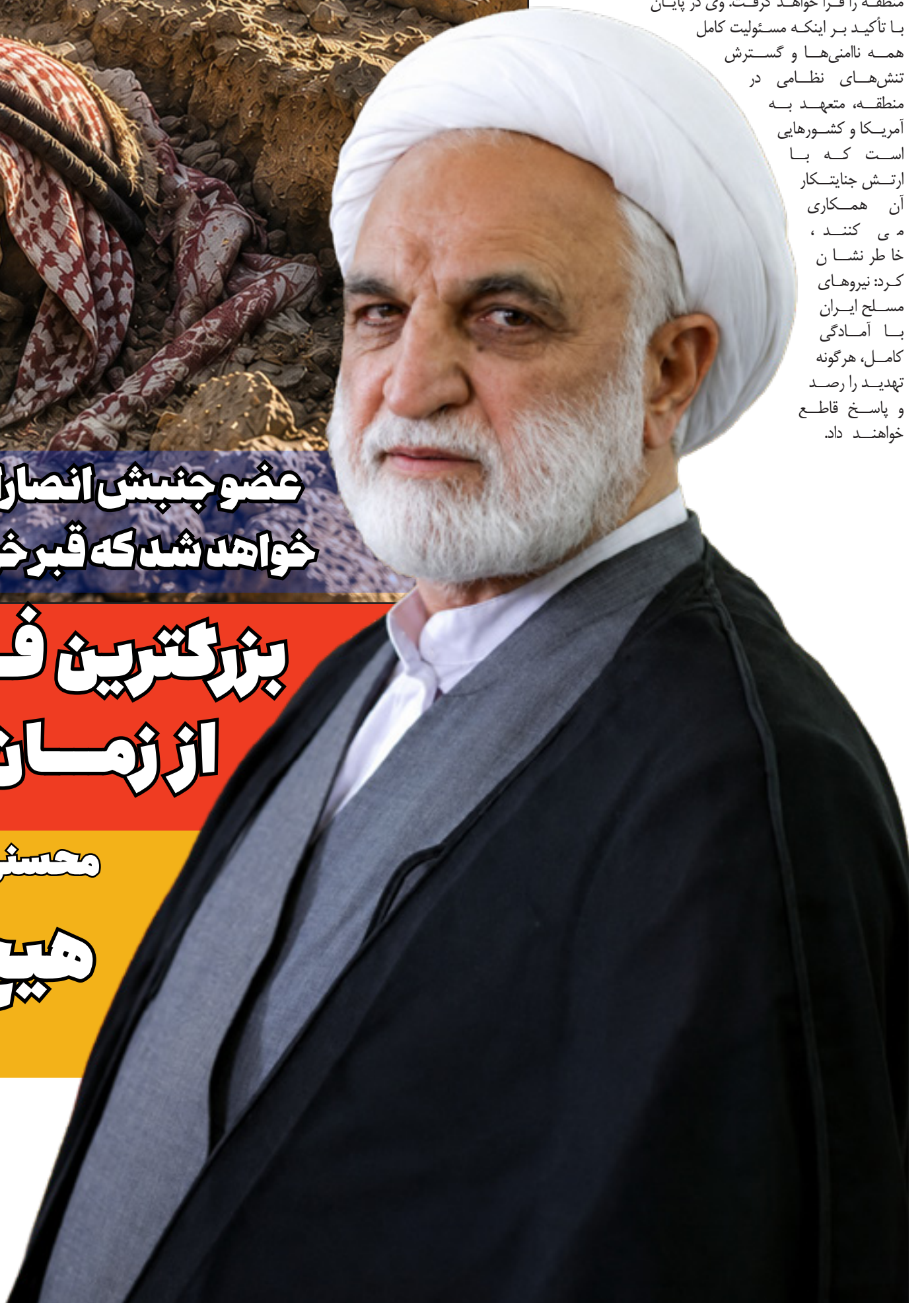
بزرگترین فاجعه اقتصاد بین‌الملل از زمان جنگ جهانی دوم

محسّی‌اژهای:

هیچ‌کس بخشیده نمی‌شود

نقشه جدید تجارت خارجی ایران

تمرکز بر توافق‌نامه‌های منطقه‌ای



مدیری که نتواند مصرف انرژی را کنترل کند مورد تردید است



با در نظر گرفتن همه ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست‌محیطی انجام شود.

پزشکیان با انتقاد از برخی ضعف‌های مدیریتی در این حوزه تصریح کرد: اگر مدیری نتواند مصرف منابع و انرژی در مجموعه تحت مدیریت خود را به شکل مطلوب کنترل کند، باید در کارآمدی او تردید کرد.

ارزیابی مدیران باید بر اساس شاخص‌های مشخصی همچون بهر‌موری، مدیریت بهینه منابع، کیفیت خدمات و میزان رضایتمندی مردم انجام شود.

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه حضور دانشگاهیان در عرصه اجرا می‌تواند زمینه‌ساز تحول در نظام مدیریتی کشور باشد، خاطرنشان کرد: اگر میدان عمل در اختیار دانشگاه‌ها قرار گیرد، آنان می‌توانند با اتکا به دانش، تجربه و روش‌های علمی، مسیر توسعه و آبادانی کشور را هموار کنند.

پزشکیان همچنین اصلاح نظام پرداخت را از دیگر اولویت‌های دولت در چارچوب مدیریت علمی منابع انسانی دانست و گفت: نظام پرداخت باید مبتنی بر عملکرد، بهر‌موری و میزان ارزش‌آفرینی افراد باشد. تداوم رویه‌هایی که در آن میان افراد پرتلاش و کم‌کار تفاوتی وجود ندارد، با اصول مدیریت علمی و عدالت سازگار نیست و دانشگاه‌ها می‌توانند در طراحی و اصلاح این سازوکارها نقش مؤثری ایفا کنند. رئیس‌جمهور در ادامه با اشاره به ضرورت سرمایه‌گذاری بر ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی، اظهار داشت: یکی از خلأ‌های جدی نظام اداری کشور، فقدان نظام منسجم توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای و مهارت‌افزایی کارکنان است؛ موضوعی که باید با مشارکت دانشگاه‌ها مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

پزشکیان همچنین توسعه فرهنگ کار تیمی را از الزامات تحول مدیریتی کشور برشمرد و افزود: یکی از چالش‌های نظام مدیریتی ما، ضعف در همکاری‌های بین‌فردی و کار تیمی است، در حالی که در الگوهای نوین مدیریت، مسئولیت‌ها به صورت شبکه‌ای، تخصصی و مبتنی بر همکاری تیمی تعریف می‌شود و مدیران در فرآیندی نظام‌مند، تجربه حضور در بخش‌های مختلف را کسب می‌کنند.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه اصلاح ساختارها همواره با مقاومت و دشواری همراه است، تصریح کرد: مدیریت تغییر، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای تحول در حکمرانی است و دانشگاه‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از دانش روز و ظرفیت علمی خود، نقش محوری در طراحی و راهبری این فرآیند ایفا کنند.



انتقام مطالبه همه آزادگان جهان است

■ فاحسین مالکی، با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری بر حتمی بودن انتقام از عاملان شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی، اظهار کرد: پیام عمیق و کلان‌نگرانه‌ای که رهبر معظم انقلاب در قدردانی از ملت فهیم و بزرگ ایران و همچنین ملت وفادار و هوشمند عراق برای حضور گسترده در مراسم تشییع «آقای شهید ایران» مطرح کردند، ناظر بر خواست امروز ملت‌های اسلامی و حتی ملت‌های آزاده جهان است.

جنایات دشمنان، انتقام را به یک مطالبه جهانی تبدیل کرده است.وی افزود: موضوع انتقام متوجه ضرورترین انسان‌های تاریخ بشر است؛ کسانی که جنایت‌های آنان از غزه و علیه کودکان مظلوم این منطقه آغاز شد و پیش از آن نیز در افغانستان، ویتنام، یمن، لبنان و سوریه ادامه داشت و نهایتاً به شهادت بزرگ‌ترین شخصیت جهان اسلام، یعنی رهبر شهیدمان، انجامید.عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: رهبر معظم انقلاب موضوع انتقام را به‌عنوان خواسته ملتها و جوانان آزاده دنیا مطرح کردند و به نظر من این مطالبه از عمق جان مردم ایران برمی‌خیزد، در تشییع پیکر پاک رهبر شهید انقلاب اسلامی در مشهد، که همایش قدرت و حماسه‌ای بی‌نظیر بود، همین مطالبه به‌روشنی دیده شد. در تهران، قم، نجف، کربلا، پاکستان، افغانستان و دیگر کشورهای اسلامی نیز همین خواسته مطرح بود و برافراشته شدن پرچم قرمز نیز بیانگر همین معناست.بی‌پاسخ ماندن جنایات‌ها، زمینه تکرار آن‌ها را فراهم می‌کند.وی تصریح کرد: اگر امروز جلوی این روند و جنایات آمریکا و اسرائیل گرفته نشود، قطعاً باید شاهد جنایت‌های بیشتری از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکا باشیم. حتی جوانان آمریکایی نیز نسبت به عملکرد ترامپ واکنش‌های شدیدی نشان داده و انزجار خود را اعلام کردند.مالکی در واکنش به بخش دیگری از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه این جاینگاران آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد، اظهار کرد: این اتفاق هیاکنون نیز رخ داده است. وقتی مشاهده می‌کنید ترامپ بسیار زودتر از زمان پیش‌بینی‌شده سفر خود به ترکیه را ترک می‌کند، این ناشی از وحشتی است که از واکنش مردم و جوانان ترکیه و دیگر کشورهای اسلامی دارد.ادعای تهدید، از هراس دشمنان حکایت دارد.وی ادامه داد: خود او نیز مدعی می‌شود که تهدید شده و احتمال ترورش وجود دارد، هرچند این سخنان را در قالب فرافکنی مطرح می‌کند.عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی افزود: این افراد در نقاط مختلف دنیا حضور دارند و به‌صورت زنجیروار مرتکب جنایت می‌شوند، اما قطعاً سرنوشتی مشابه سلمان رشدی خواهند داشت؛ فردی که به پیامبر اسلام (ص) اهانت کرد و تا امروز زندگی همراه با وحشت را تجربه کرده و همواره هدف خشم جوانان مسلمان سراسر جهان بوده است. به اعتقاد من، این سرنوشت متوجه این افراد نیز خواهد شد.تقاه‌نامه ایران و آمریکا کارایی خود را از دست داده است.وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به آخرین وضعیت دفاعی کشور، گفت: با توجه به اقدامات نسنجیده و حملات وحشیانه آمریکایی‌ها به مناطق ساحلی و نقاط مختلف کشور، یادداشت تقاه‌نامه ایران و آمریکا برای پایان جنگ نیز به سرنوشت ب‌جام دچار شده و دیگر معنای گذشته خود را از دست داده است.نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی افزود: روز گذشته جلسه‌ای در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با مقامات ارشد دفاعی کشور و سرپرست وزارت دفاع برگزار شد و آخرین وضعیت دفاعی کشور مورد بررسی قرار گرفت. به لطف خلودند متعال از زمانی که آمریکایی‌ها اعلام آتش‌شس کردند و موضوع مذاکره مطرح شد، بیره‌های مسلح این موضوع را قابل قبول ندانسته و آمادگی صدردصدی خود را از همان لحظه نخست تاکنون حفظ کرده‌اند.

خونخواهی شهدا؛ مطالبه‌ای ریشه‌دار در مکتب امامین انقلاب

■ محسن زنگنه، نماینده مردم «تربت‌حیدریه، مەولات و زاوه» در مجلس شورای اسلامی، در یادداشتی به تبیین ابعاد خونخواهی و انتقام خون فرماندهان شهید و دیگر شهدای «جنگ رمضان» پرداخت. در متن این یادداشت آمده است:

خونخواهی و انتقام خون رهبر شهید و سایر شهدای جنگ رمضان، یک مطالبه دقیق و منطقی بر مکتب امام شهید و فرامین رهبر معظم انقلاب است. امام شهیدمان در دو مورد به صراحت از خونخواهی نام برده اند.

اولین بار در پی شهادت شهید قاسم سلیمانی در مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۳ که فرمودند: «شهید سلیمانی چهره‌ی بین‌المللی مقاومت است و همه‌ی دلبستگان مقاومت خونخواه اویند» و دیگری در پیشان به مناسبت شهادت اسماعیل هنیه در تاریخ ۱۴۰۳/۵/۱۰ که می‌فرمایند: «ما در این حادثه‌ی تلخ و سخت که در حریم جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، خونخواهی او را وظیفه‌ی خود می‌دانیم.»

مقام معظم رهبری آیت الله سید مجتبی خامنه ای نیز در پیام خود به مناسبت ۱۴ خرداد تلویحا به تأیید مطالبه خونخواهی توسط مردم پرداخته و می‌فرماید: «و در آخرین نمونه‌ی شگفت‌انگیز، کدام نیروی مستحکم و اراده‌ی پولادین بود که از سحرگاه دهم اسفند ۱۴۰۴ ملت ایران را آن‌چنان مبعوث کرد و به میدان آورد که با انگیزه‌های والا با گذشت بیش از سه ماه کماکان برحرارت به خونخواهی رهبر شهید خود و سایر شهیدان به‌خون خفته و به پاسداشت حریم نظام اسلامی و وطن عزیزشان در میدان حاضر هستند و صفوف چند ده میلیونی جان‌فدایان را برای تحقق آرمان رهبر شهید و اقامه‌ی حق و قیام‌الله مستحکم کرده‌اند؟»

ایشان همچنین در اولین پیام خود در تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۱ به مسئله انتقام خون رهبر شهید و شهدای جنگ اشاره کرده و می‌فرمایند: «ثابا این اطمینان را به همگان میدهم که ما از انتقام خون شهداء شما صرف نظر نخواهیم کرد.

انتقامی که در نظر داریم فقط مربوط به شهادت رهبر عظیم‌الشان انقلاب نیست؛ بلکه هر عضوی از ملت که توسط دشمن شهید میشود، خود موضوع مستقلی برای پرونده انتقام است البته مقدار محدودی از این انتقام تا به حال صورت عینی پیدا کرده است ولی تا حد کامل آن حاصل نشود همچنان این پرونده در روی بقیه پرونده‌ها خواهد بود و بخصوص نسبت به خون اطفال و کودکانمان حساسیت بیشتری خواهیم داشت.»

معظم له در پیمای نیز که به مناسبت چهلم امام شهید دادند می‌فرمایند: «ملت عزیز اگر چه با پایان گرفتن مدت عزای رسمی



تفاهم اسلام‌آباد وارد بحران شده است

■ اسماعیل بقایی در نشست خبری اظهار داشت: هفته‌ای که گذشت برای ما ایرانی‌ها و منطقه و جهان مهم بود. در واقع هفته ایران و ملت ایران بود و روز ۱۷ تیر به عنوان روز برادری و همدلی بین دو ملت ایران و عراق ثبت شد.پیگیری خونخواهی رهبر شهید و همه شهدای جنگ یک مطالبه همگانی است. وی در پاسخ به سؤالی در مورد انتقام از قاتلان رهبر شهید و همه شهدای کشور، و برنامه وزارت خارجه در این باره، ادامه داد: تردیدی در این نیست که براساس همه موازین اخلاقی، سیاسی و حقوقی و بین‌المللی، مطالبه عدالت یک اصل است. جنایاتی که در ۴۰ روز و قبل از آن در ۱۲ روز انجام شد، به هیچ عنوان مشمول زمان نخواهد شد. جنایاتی که متأسفانه کماکان آمریکا علیه ملت ایران مرتکب می‌شود. پیگیری خونخواهی رهبری شهید و تمامی ایرانیان که در جریان جنگ به شهادت رسیدند، یک اصل جدی و مورد مطالبه همگانی است.سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: وزارت امور خارجه بخشی از این روند است. ما در سطح بین‌المللی از همه ابزارها و فرصت‌های حقوقی استفاده خواهیم کرد.

در سطح داخلی هم باید کارهای مهمی را انجام دهیم. قوه قضائیه حتماً در این زمینه مسئولیت‌های خودش را پیگیری می‌کند. اقامه دعوا از طرف تکتک عزیزانی که به شهادت رسیدند و با آسیب دیدند و یا دارایی خود را از دست دادند، برای مطالبه حق و اجرای عدالت باید انجام دهیم. کسانی که دستشان به خون بی‌گناهان آلوده است و عامل کشتار هزاران نفر بودند، الان ژست مظلوم‌نمایی می‌گیرند و تصور می‌کنند با این مظلوم‌نمایی دنیا فراموش خواهد کرد که آنها قاتلان بدداتی بودند. این ژست‌ها کسی را فریب نمی‌دهد.تفاهم اسلام‌آباد وارد مرحله بحران شده است.سخنگوی وزارت خارجه در مورد آینده تفاهم اسلام‌آباد، گفت: در اینکه وارد مرحله بحران شده است تردیدی نیست. با افتخار عرض می‌کنیم ایران در هر مذاکره‌ای با جدیت و وسواس وارد شده و زمانی که به تفاهم رسیده، در ایفای تعهداتش با حسن نیت عمل کرده است. اینقدر کم‌بصیر در پیمان‌شکنی بودند که حتی اجازه ندادند بازه زمانی یک ماهه در بند پنجم درباره تنگه هرمز دوروش انجام شود. از همان روزهای نخست شروع کردند به دبه درآوردن. اگر ۱۴ بند یادداشت تفاهم را در نظر بگیریم، اجزای مختلفش را آمریکایی‌ها در این مدت کوتاه مثله کردند. ما از ابتدا گفتیم تعهد در برابر تعهد. مامای تعهدات خود را اجرا خواهیم کرد که طرف مقابل به تعهداتش عمل کند. بیانه سه کشور اروپایی هیچ جاهتی نداردوی در مورد بیانه سه کشور اروپایی گفت: مطلقاً هیچ جاهتی ندارد و کشورهای اروپایی اصرار دارند واقعیت‌ها را وارونه ببینند. واقعیت این است که هر آنچه باعث شده که منطقه و جهان آسیب ببیند، ناشی از اقدامات آمریکا و رژیم اسرائیل است. این بیانیها کمکی به حل و فصل موضوع نخواهد کرد و کمکی به جایگاه آنها هم نخواهد کرد.ادعاهای ترامپ درباره پرونده هسته‌ای دروغ است.بقایی در واکنش به ادعاهای ترامپ مبنی بر رضایت ایران در بحث هسته‌ای عنوان کرد: دروغ‌گویی بخشی از الگوی رفتاری آمریکا شده است و اعتیاد پیدا کرده‌اند. مذاکرات روز شنبه در مسقط صرفاً بر تنگه هرمز متمرکز بود. تلاش ما این بود با مشورت عمان به سازوکاری دست پیدا کنیم که عبور ایمن کشتی‌ها صورت گیرد. به دلیل فشارها بر عمان این مهم دستیافت.امنیت منطقه با حضور نیروهای بیگانه تأمین نمی‌شود

وی در مورد اسکورت ۲۰ کشتی توسط ناوگان نظامی آمریکا در تنگه هرمز گفت: منطقه امن نخواهد شد مگر اینکه کشورهای منطقه سازوکارهای مشورتی را بدون سازوکار مداخله بیگانگان انجام دهند. به عینه می‌بینیم که منطقه ما به دلیل حضور نظامی آمریکا دچار ناامنی شده است. موضع ما خیلی شفاف بیان شده است.همکاری با افغانستان را به موضوع شناسایی گره نزدیم.وی در مورد سفر جلال‌زاده، معاون کنسولی وزارت امور خارجه، به افغانستان و موضوع گفت‌وگوها افزود: تبادل نظر در خصوص همکاری‌های ایران و افغانستان در حوزه کنسولی و همکاری‌های مردم با مردم است. بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک داریم و روابط دو کشور دیرپاست و حضور تعداد زیادی از اتباع افغانستانی در ایران، روابط تجاری گسترده بین دو کشور، موضوعات امنیتی و امنیت مرزی اقتضا می‌کند روابط دو کشور در سطوح مختلف کار خودش را انجام دهد. در خصوص شناسایی، از ابتدا بنای ما این بود که همکاری‌های دو کشور در حوزه‌هایی که لازم و ضروری برای مصالح دو کشور است، به موضوع شناسایی گره نزنیم. شناسایی روند حقوقی است که هر زمان به نتیجه برسیم این کار را انجام خواهیم داد. با درخواست آژانس برای بازدید از تأسیسات آسیبدیده موافقت نمی‌کنیم.وی در پاسخ به این سؤال که گروسی خواستار بازگشت بازرسان آژانس به ایران و بازدید از تأسیسات هسته‌ای آسیبدیده شده و آیا ایران با این خواسته آژانس موافقت می‌کند؟ پاسخ داد: خبراجازه نمی‌دهیم که آمریکا و رژیم صهیونیستی از تنگه برای آسیب به ایران استفاده کنند.وی درباره تفسیر مقامات آمریکا از بند پنجم یادداشت تفاهم گفت: تفسیر در برابر نص جایز نیست، اصل عقلانی است، متن صریح است. ما به دلیل بدگمانی به حقی که به آمریکا داشتیم، تلاش کردیم این متن چنان دقیق باشد که جای هیچ تفسیر به رای نگذارد. باید متن بند پنجم را با دقت نظاره کرد و قضاوت کرد که آیا این بند تفسیر‌بردار است؟ دلیل این بند این بود که در طول جنگ تحمیلی از این تنگه برای آسیب به ایران سوءاستفاده شده است.وی افزود: ما به عنوان کشور ساحلی حتماً حق داریم برای صیانت از منافع ملی خود اقدامات لازم را انجام دهیم. اجازه نمی‌دهیم که آمریکا و رژیم صهیونیستی از تنگه برای آسیب به ایران استفاده کنند. دلیل اینکه تأکید شد مدیریت تنگه هرمز با ایران و مشورت عمان باشد، این است که منافع ایران محفوظ باشد و تردد ایمن صورت گیرد. هر آنچه که اتفاق افتاده مسئولیتش با آمریکاست. آنان به جای اینکه اجازه دهند ایران کارش را در مدت ۳۰ روز انجام دهد و می‌دانستند ما جدی هستیم.

تحول گفتمانی و ابزاری در تبلیغ دین



مبنای سوم، هدفمندی خلقت و باور به معاد است. خلقت انسان و جهان بیهوده نبوده و مسیر حرکت بشریت به سوی عبودیت و حسابرسی اخروی تنظیم شده است. کسانی که در برابر این هدف الهی می‌ایستند، نشانه‌های خدا را انکار کرده و با مؤمنان دشمنی می‌ورزند، طبق قوانین تکوینی و تشریعی پروردگار سزاور کیفر سنگین هستند. انتقام در دنیا، پیش‌درآمدی بر مجازات اخروی دشمنان و در راستای تحقق اهداف نظام آفرینش است؛ چرا که اگر ستمگران رها شوند، فلسفه تکامل و امنیت جامعه دینی باطل خواهد شد.

اصل علو و پیروزی استراتژیک اسلام نیز به عنوان متمم مبانی قبلی مطرح است. بر اساس قاعده شریف «لااسلام یعلو و لا یعلی علیه»، اسلام همواره برتر است و هیچ مکتب یا قدرتی نباید بر امت اسلامی استیلا یابد. هدف از ارسال پیامبران نیز غلبه دین حق بر تمامی مکاتب باطل بوده است. حال اگر دشمنان به حرم مسلمین هجوم آورده، رهبران و فرماندهان آنان را ترور کنند و پاسخی محکم دریافت نمایند، این امر به معنای پذیرش برتری و استعلای کفار بر مسلمانان خواهد بود که با اراده تشریعی الهی تضاد دارد. بنابراین، اقدام برای انتقام جهت حفظ عزت، حاکمیت و برتری جامعه اسلامی در برابر جبهه کفر و جوب می‌باشد.

علاوه بر این، کرامت ذاتی انسان و حرمت جان او از دیگر پایه‌های استوار این نظریه است. خداوند به فرزندان آدم کرامت بخشیده و جان انسان‌های بی‌گناه را محترم شمرده است. اما ستمگرانی که دست به کشتار مستضعفان و ترور شخصیت‌های الهی می‌زنند، این کرامت

در منظومه فکری اسلام، اعتقاد به خدای واحد مانع از پذیرش هرگونه ستم و سلطه بیگانگان می‌شود؛ چرا که لازمه توحید عملی، عدم تسلیم در برابر زورگویان و ایستادگی در برابر ظالمان است. تقابل تاریخی میان جبهه حق و باطل از دیرباز یکی از سنت‌های حاکم بر حیات بشری بوده است. در این میان، جبهه باطل همواره با اتکا به خوی استکباری خود، دست به تعدی، تجاوز و ترور می‌زند و در مقابل، جبهه حق موظف به دفاع، جهاد و ایستادگی است. مواجهه با تهاجم دشمنان مسبوق به سه راهبرد اساسی است: بازدارندگی پیش از وقوع تجاوز، دفاع جدی در حین تهاجم، و اقدامات پسا تهاجم.

در مرحله پسا تهاجم، جامعه اسلامی وظیفه دارد از یک سو با نگاه به درون به ترمیم خسارت‌ها بپردازد و از سوی دیگر با نگاه به بیرون، موضوع مجازات و انتقام از دشمن غدار را پیگیری کند. طرح مفهوم «انتقام» از سوی رهبر شهید انقلاب اسلامی پس از اقدام تروریستی در به شهادت رساندن شهید حاج قاسم سلیمانی، این پرسش بنیادین را فراروی پژوهشگران دینی و سیاسی قرار داد که مشروعیت، مبانی و اصول این نوع واکنشی تند و بازدارنده در متون اصیل اسلامی یعنی قرآن کریم و احادیث شریف چگونه تبیین می‌شود. این گزارش با بررسی دقیق خاستگاه‌های اندیشه‌ای و قواعد عملیاتی اسلام، نشان می‌دهد که انتقام سخت نه یک واکنش احساسی و گذرا، بلکه امری مسلم، قاعده‌مند و برخاسته از بطن تعالیم الهی است.

برای درک صحیح این مفهوم، ابتدا باید واژه‌شناسی دقیقی صورت گیرد. مبانی در اصطلاح به خاستگاه‌های بنیادین، هست‌ها و باورهای زیربنایی اطلاق می‌شود که شالوده یک تفکر را شکل می‌دهند. اصول نیز به بایدها و نبایدهای کلی و قواعد کاربردی گفته می‌شود که از همان مبانی استخراج شده و راهنمای عمل قرار می‌گیرند. واژه انتقام و لنت و اصطلاح به معنای کیفر دادن، تلافی و خونخواهی از دشمن به سبب جنایتش است.

خاستگاه‌های اعتقادی و باورهای زیربنایی انتقام

نخستین و اصلی‌ترین مبنای اندیشه اسلامی در باب مقاومت و مجازات دشمنان، اصل توحید و یگانگی خداوند است. در منظومه فکری اسلام، اعتقاد به خدای واحد مانع از پذیرش هرگونه ستم و سلطه بیگانگان می‌شود؛ چرا که لازمه توحید عملی، عدم تسلیم در برابر زورگویان و ایستادگی در برابر ظالمان است. قرآن کریم در آیات متعدد با نفی شرک، مؤمنان را به پرستش خدای یگانه و سرپیچی از طاغوت‌ها دعوت می‌کند. این باور توحیدی است که به جامعه اسلامی هویت بازدارنده می‌بخشد؛ زیرا اگر فرایض الهی از چندین منبع متناقض صادر می‌شد، تشتت در روش‌ها پدید می‌آمد، اما دستور به پایداری از سوی خدای واحد، تکلیفی روشن و تخلص‌ناپذیر است.

عدالت الهی دومین مبنای است که مشروعیت انتقام قاطع را تضمین می‌کند. خداوند جهان را بر پایه عدل استوار کرده و به پیامبران خود نیز دستور داده تا در میان مردم به عدالت رفتار کنند. عذاب‌ها و عقوبت‌هایی که در طول تاریخ بر جوامع طغیانگر و آزاردهنده انبیاء وارد شده، نه از روی ستم، بلکه نتیجه مستقیم عملکرد و گناهان خود آن‌ها بوده است. با تکیه بر این مبنا، وقتی جبهه حق اقدام به مجازات متجاوزان می‌کند، در حقیقت مجری بخشی از سنت عدل الهی در زمین است تا تعادل در حیات اجتماعی بشر برقرار بماند و ظالمان نتوانند بدون پرداخت هزینه به جنایات خود ادامه دهند.

تفاوت زندگی فلسفی و غیرفلسفی



تفاوت زندگی فلسفی و غیرفلسفی

اگنس کالارد، حتی اگر شاهکار مدرنیستی ناتمام رابرت موزیل، مرد بی‌خاصیت۱، را نخوانده باشد، احتمالاً قبول دارد که عنوان درخشانی دارد. اما اگر آن را خوانده باشید، شک ندارم که با من موافقید، چون این رمان بارها و بارها به این مسئله می‌پردازد که چطور اولریش، که شخصیت اصلی رمان است، نمی‌تواند به زندگی‌اش سروسامان دهد، و مهم‌تر از آن، شخصیتش را شکل دهد. اما راستش را بخواهید من پیشنهاد بهتری برای عنوانش دارم؛ به نظرم بهتر بود موزیل عنوان رمانش را می‌گذاشت مرد بی‌فلسفه.

البته اولریش صراحتاً برای خودش یک فلسفهٔ زندگی دارد و نامش را گذاشته: «مقاله‌گرایی»۲. مشخصهٔ اصلی مقاله‌گرایی نوع زیستنی است که توأم با گستره‌ای از تأملات جدید و ژرف باشد، «کندوکاو در چیزی از زوایای مختلف، بدون آنکه به کلیتش احاطه داشته باشید». زندگی مقاله‌گرا مبتنی بر مشاهدات متفکرانه است؛ زندگی اولریش، و همین‌طور موزیل، این‌گونه است: موزیل بیش از آنکه بخواهد از ابزارهای معمول بی‌رنگ داستان یا شخصیت‌پردازی استفاده کند، به‌دنبال این است که رمانش را پر از مشاهدات متفکرانه کند؛ اولریش از اینکه بخواهد «آدمی مشخص در دنیای مشخص» باشد بیزار است. در عوض می‌خواهد از ظرفیت نامحدود ذهنش برای بازیگری مداوم استفاده کند تا همچون «قطره‌ای درون یک ابر» بدون هیچ حومه‌ری ضرورت داشته باشد. ایده‌ها برای اولریش «حکم چیزهایی را دارند که باید مداوم سرنگوشان کرد و ایده‌های جدیدی جایشان گذاشت».

«تنها پرسشی که برای اولریش و موزیل ارزش فکر کردن دارد این است که شیوهٔ درست زندگی‌کردن چیست». اما آیا چنین چیزی ذاتاً پروژه‌ای فلسفی نیست؟ جواب مثبت است، اما دلیل خوبی هست که نشان می‌دهد اولریش مردی بی‌فلسفه است و آن اینکه هم اولریش و هم موزیل بارها و بارها به این موضوع اذعان دارند. اولریش اعتراف می‌کند که در گرفتاری‌ها «تنها پناهش فلسفه‌پوژری است». اما مشکل این است که فلسفه درستی‌زیستن از دست داده بود: «افکارمان هم، مثل سر بازی که زیر برق آفتاب رژه می‌روند، قرار نیست تا ابد خبردار بایستند؛ اگر زیادی نگهشان دارند، از پا درمی‌آیند». نتیجه این است که «همیشه به او گفته می‌شد دربارهٔ چیزهایی که می‌بند فکر کند، اما درعین‌حال همواره از تفکر عمیق واهمه داشت».

زمانی تفکر عمیق معنا پیدا می‌کند که به‌دنبال پاسخ باشید؛ اما وقتی بیشترین پاداشی که از فعالیت ذهنی‌تان انتظار دارید شگفتی است، قطعاً این کار چندان معنایی برایتان نخواهد داشت. تفاوت بین زندگی فلسفی و زندگی مقاله‌گرایانه این است که در اولی به‌دنبال دانش‌اید، اما در دومی به‌دنبال تازگی هستید. درنتیجه، واکنش مناسب معمول به یک مقاله این است: «تا حالا از این زاویه بهش فکر نکرده بودم». دشمن اصلی مقاله‌گرا ملالت است. اولریش برای اینکه اوضاع را حتی برای خودش هم غیرقابل‌پیش‌بینی کند، «همیشه کاری جز کاری که به آن علاقه داشت انجام می‌داد». مقاله‌گرا موجودی پذیرا و کنش‌واره است؛ شیوه‌های مرسوم نگریستن به چیزها خبر دارد و همواره می‌خواهد از نزدیک‌ترین و ساده‌ترین راه‌ها به دیدگاه‌های بدیل برسد.

به روایت موزیل، زندگی مقاله‌گرا پُر از شک‌تجه است، چون زندگی‌ای است که فلسفه نهنه‌ها در آن غایب است بلکه، مهم‌تر از آن، در آن کم شده است. وقتی نگاهی به اولریش می‌اندازید، در ابتدا تمام چیزای که می‌بینید روشنفکری زبان‌باز است که با رضایت‌خاطر به یافته‌های فکری خودش لبخند می‌زند؛ اما کمی بعد متوجه می‌شوید که در کنار این مرد شاد و مطمئن مرد دیگری هم هست که موزیل او را «اولریش دوم» می‌نامد اولریش دوم، که «از اولی کمتر به چشم می‌آید»، «دنبال یک فرمول جادویی چیزی که می‌بینید روشنفکری زبان‌باز است که قطعه‌ای گمشده». اما زبانش بند آمده و هیچ کلمه‌ای برای ابراز خودش پیدا نمی‌کند. موزیل می‌گوید این مرد «از شدت درد و خشم، مست‌هایش را گره کرده»؛ اولریش فیلسوف درون اولریش مقاله‌گرا گیر افتاده است.

موزیل شغل دانشگاهی فلسفه را رها کرد و با این کار حسابی خانواده‌اش را رنجاند. بهجای آن، ترجیح داد کتابی دربارهٔ مشاهدات متفکرانه بنویسد. این کتاب و همین‌طور شخصیت اولریش، به ما نشان می‌دهد که یک متفکر بدون پرسش چطور متفکری است؛ علیرغم تمام فعالیت‌های فکری بی‌وقفه و بی‌قرارش، دچار بیهودگی دائمی است.

اولریش مدام با زنان رابطه برقرار می‌کند. روابطش با زنان مشابه، و همین‌طور روشنگر، رابطهٔ او با ایده‌هاست. در اوایل رمان، شبی را که با یکی از مشوقه‌هایش گذرانده با استفاده از دو تصویر توصیف می‌کند: اولی «صفحهٔ پارای» از یک کتاب است. آن شب اگرچه برایش لذت‌بخش بوده، هیچ روایت کلان‌تری را در خود نداشته است. قصدش پیداکردن همسر و یا تشکیل خانواده نبوده؛ صرفاً تا زمانی که از بودن با آن‌ها لذت می‌برد با آن‌ها می‌ماند –و این نشان می‌دهد که شب‌های رمانتیک او، مثل تعطیلات جدا جدا، داستان زندگی او را تشکیل نمی‌دهند و درنهایت هیچ معنایی ندارند. تصویر دوم، که جالب‌تر هم هست، تصویری است از یک تابلو زنده: یک درام منجمد که بازیگران بی‌حرکت می‌ایستند تا صحنهٔ معروفی را بازسازی کنند. مثلاً فرض کنید بازیگری که نقش «هذئا» را بازی می‌کند، درحالی که چاقویی در دست دارد، بالای سر فرزندش ایستاده؛ از نظر موزیل این صفحه «پر از معنای پنهان است که با دقت ترسیم شده، اما درمجموع کاملاً بی‌معناست». بی‌معناست،



کند و در نماد، آیین، کنش، حافظه و نهاد جای گیرد. این گذار نیز منطق خاص خود را دارد.

نخست، حقیقت درونی در یک نماد متبلور می‌شود. پیکر امام شهید، دیگر فقط یک بدن نیست؛ به کانون تمرکز معنا بدل می‌شود؛ نقطه‌ای که عاطفه، معرفت، خاطره، عهد و اراده، همگی در آن جمع می‌شوند.

سپس آن معنا در کنش جمعی پدیدار می‌گردد. میلیون‌ها گام، اشک، صدا و حضور، به زبان تن یک روح واحد تبدیل می‌شوند. جامعه، آنچه را در درون خود پنهان داشته بود، این بار با تمام قامت به نمایش می‌گذارد.

پس از آن، رابطه میان انسان‌ها حلقه تشدید را می‌سازد. هر کس ایمان خود را در آینه دیگری بازمی‌شناسد.

هر دل، دل دیگر را بیدارتر می‌کند؛ عاطفه ژرف‌تر می‌شود، فهم روشن‌تر می‌گردد و اراده، استوارتر جان می‌گیرد. آنگاه این تجربه در حافظه تاریخی تثبیت می‌شود. دیگر با یک واقعه روبه‌رو نیستیم، بلکه با روایتی بنیادین مواجهیم؛ روایتی که نسل‌های بعد نیز خود را در نسبت با آن تعریف خواهند کرد.

سرانجام، این حقیقت از مرزهای جامعه نیز فراتر می‌رود؛ به پیام بدل می‌شود، به الگو، به قدرت نرم. آنچه در درون امت زاده شده بود، اکنون می‌تواند افق منطقه و حتی جهان را نیز متأثر کند.

بر بنیاد این سنت قرآنی، «ما بانفسهم» جایگاه زاده شدن احساس، معرفت، اراده و هویت تازه است. هرگاه این چهار ساحت، هم‌زمان درگرون شوند، انسان نوشده پدید می‌آید و با پدید آمدن این انسان، جامعه نیز به آستانه ظهور تاریخی تازه‌ای می‌رسد.

از این منظر، تشییع تاریخی رهبر شهید تجلی تمدنی بود که پیش‌تر در درون انسان نوشده ایرانی شکل گرفته بود و اکنون در تاریخ ایران صورتی آشکار و قدرتمند یافته است.

اینجاست که وعده قرآن معنای زنده خود را آشکار می‌کند: خداوند سرنوشت هیچ قومی را درگرون نمی‌کند مگر آنکه آن قوم، پیش از آن، جهان درونی خویش را درگرون کرده باشد. هرگاه این درگرونی به بلوغ برسد، «ما بانفسهم» به «ما بقوم» بدل می‌شود؛ یعنی نور باطن، سیمای تاریخ را نیز روشن می‌سازد و تمدن، معجزه خود را آشکار می‌کند.

دیده است؛ نه فقط به‌صورت مجموعه‌ای از افراد و نه صرفاً در قالب یک ملت، بلکه به‌مثابه حلقه‌ای از تنزیره بلند تاریخ ایمان و تمن. در این افق تازه، گذشته، حال و آینده از یکدیگر گسسته نماندند؛ بلکه در یک میدان معنا گرد آمدند.

انسان ایرانی دریافت که بیرون از این روایت بزرگ نایستاده، بلکه خود جزئی از آن، حامل آن و مسئول استمرار آن است.

اینجاست که شناخت، از مرز دانستن عبور می‌کند و به خودآگاهی تاریخی می‌رسد؛ و هر حرکت تمدنی، پیش از آنکه بر زمین پا بگیرد، در همین خودآگاهی زاده می‌شود.

سوم: تحول ارادی (پیدایش اراده تاریخی)

دل، محبت آفرید و عقل، حقیقت را روشن کرد؛ اما تاریخ، آن‌گاه آغاز می‌شود که اراده قد برمی‌افرازد.

از پیوند محبت و معرفت، عزمی تازه پدید آمد؛ عزمی که شهادت را پایان راه نمی‌دید، بلکه آن را آستانه مسئولیتی بزرگ‌تر می‌شناخت. در اینجا سوگ، اگرچه سنگین بود، به سکون نینجامید؛ اندوه، صورت تصمیم گرفت.

این اراده، هیجانی گذرا نبود؛ تصمیمی وجودی بود؛ تصمیمی که انسان را از وضعیت تماشا بیرون می‌آورد و به ساحت حضور و کنش می‌رساند. از این پس، امت دیگر فقط عزادار نبود؛ خود را ادامه‌دهنده راه می‌دید.

از همین‌جا تشییع به صحنه ظهور اراده جمعی بدل شد. هر گام، نشانه ماندن در راه بود، هر حضور، اعلام استمرار رسالت؛ گویی ملتی خاموش و استوار، با قامت خویش سخن می‌گفت.

چهارم: تحول هویتی (ظهور امت در آینه امت)

ژرف‌ترین درگرونی، در ساحت هویت رخ می‌دهد؛ آنجا که انسان فقط احساس و شناخت و تصمیم ندارد، بلکه خود را به گونه‌ای تازه تعریف می‌کند.

در چنین لحظه‌هایی، ملت‌های منطقه زیر سایه هویتی بزرگ‌تر قرار می‌گیرند. شرکت‌کنندگان در تشییع، خود را تنها اعضای یک جامعه سیاسی نمی‌یابند، بلکه خویش را جزئی از پیکره امت اسلامی احساس می‌کنند؛ امتی که گذشته، حال و آینده آن در یک حقیقت تنفس می‌کند.

در اینجا می‌توان از حضوری سخن گفت که نادر و سرنوشت‌ساز است؛ حضور امت در امت. یعنی لحظه‌ای که امت آرمانی، در کالبد امت عینی پدیدار می‌شود. آنچه سال‌ها در لایه‌های پنهان تاریخ نهفته بود، ناگهان در صحنه اجتماع چهره می‌گشاید.

در چنین لحظه‌ای، آدم‌ها فقط کنار هم نیستند؛ در یک روح مشترک منزل می‌گیرند. کثرت باقی می‌ماند، اما در درون آن وحدتی زنده شکل می‌گیرد. این همان لحظه‌ای است که هویت، از مفهوم به تجربه بدل می‌شود.

پنجم: از تحول درونی تا تولد پدیده تاریخی

نور درون، تا وقتی در ساحت باطن بماند، هنوز تاریخ نساخته است. تاریخ از آنجا آغاز می‌شود که این نور جامه ظهور ببوهد و در جهان بیرون، صورت اجتماعی پیدا کند.

سنت الهی چنین اقتضا می‌کند که حقیقت باطنی از درون جان عبور

■ تشییع میلیونی امام شهید را نمی‌توان تنها یک رخداد اجتماعی یا انفجار عاطفه دانست. آن صحنه بزرگ، بیش از آنکه آغاز باشد، ظهور بود.

در منطق قرآن، تاریخ از سطح حادثه آغاز نمی‌شود. حادثه تنها پرده پیداست. آنچه تاریخ را می‌سازد، پیش از آن در ناپیدی جان آدمی بسته می‌شود؛ در دل، در اندیشه، در اراده و در تصویری که انسان از خویش و از راه خود دارد.

او همین رو، آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» فقط قانونی برای تغییر اجتماعی نیست؛ این آیه، طرحی برای فهم حرکت تاریخ است. می‌گوید میان باطن انسان و سرنوشت امت، نسیتی زنده و آفریننده برقرار است.

با این نگاه، تشییع میلیونی امام شهید را نمی‌توان تنها یک رخداد اجتماعی یا انفجار عاطفه دانست. آن صحنه بزرگ، بیش از آنکه آغاز باشد، ظهور بود؛ ظهور تحولی ژرف که پیش‌تر در درون ملت، پس از شهادت، روی داده بود و سپس خود را در سیمای واقعه تاریخی تشییع آشکار کرد.

آنچه در درون ملت درگرون شد نیز امری ساده و تک‌ساختی نبود. چندین لایه در هم تنیدند، یکدیگر را نیرو بخشیدند و سرانجام هم انسانی دیگر پدید آوردند و هم ملتی دیگر.

یکم: تحول عاطفی (تولد محبت و سالی و فروپاشی نظام ترس)

هر تحول بزرگ، نخست از سرزمین احساس عبور می‌کند. دل، نخستین منزل تغییر است. تا قلب نجبینده باشد، تاریخ به حرکت در نمی‌آید.

شهادت آقای ایران، محبت نهفته را از حد دل‌بستگی فراتر برد و به مرتبه‌ای بالاتر از محبت احساسی رساند. او به نشانه‌ای از راه خدا، عدالت، عزت و مسئولیت تاریخی امت بدل شد.

از همین‌جا محبت صورتی دیگر یافت؛ دیگر صرف مهر نبود، بلکه عشقی شد که آدمی را از خود فراتر می‌برد و به میدان تکلیف می‌کشاند.

در کنار این، بنای ترس نیز ترک برداشت و فرو ریخت. ترس از دشمن، از آینده، از تهدید و از تنها ماندن، همه در برابر هیبت شهادت رنگ باخت. آنجا که مرگ خود به زبان عزت سخن می‌گوید، خوف آرام‌آرام عقب می‌نشیند و دل به اطمینان می‌رسد.

پس تشییع فقط نمایش اندوه نبود؛ نمایش رهایی بود؛ رهایی دل از اسارت ترس. جامعه‌ای که از ترس عبور کند، در آستانه ورود به تاریخی تازه ایستاده است.

دوم: تحول معرفتی (انکشاف حقیقت و بازآرایی افق تاریخی)

احساس اگر به بصیرت نرسد، زود می‌خروشد و زود فرو می‌نشیند. ماندگاری هر موج، در پیوند آن با آگاهی است.

شهادت، چون نوری ناگهانی، بسیاری از حقیقت‌های پنهان را آشکار کرد؛ ارزش راه، عمق این تقابل، جایگاه امام شهید، چهره واقعی دشمن آمریکا — صهیونیستی و سهم ملت و امت در این میدان، همگی در پرتو آن واقعه، خوانشی تازه یافتند.

اما آنچه مهم‌تر است، تنها کشف چند واقعیت پراننده نیست؛ دستگاه ادراک تاریخی جامعه از نو سامان گرفته است. ملت، بار دیگر خود را

بازتاب پیامدهای جنگ علیه ایران در رسانه‌های جهان



اقتصادی جهانی، در نبرد فرسایشی اقتصادی پیروز شد. این گزارش هشدار می‌دهد که استراتژی حتی برای یک ابرقدرت نیز «اختیاری نیست» و شکست در آن می‌تواند عواقب وخیمی به بار آورد. خبرگزاری آسوشیتد پرس از دبی گزارش داد که ایالات متحده بامداد یکشنبه در واکنش به حمله ایران به یک کشتی در تنگه هرمز که منجر به آتش‌سوزی و تخلیه خدمه آن شد، حملات گسترده‌ای را علیه ایران آغاز کرد. سنتکام مدعی شد که در این دور از حملات، حدود ۱۴۰ هدف از جمله سایت‌های پرتاب موشک و پهپاد، انبارهای مهمات و تجهیزات ارتباطی را هدف قرار داده است. پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، نیز با انتشار پیامی نوشت: «ایران انتخاب بدی کرد. حالا تاونش را می‌پردازد.» بر اساس این گزارش، ایران نیز با حملات تلافی‌جویانه به چندین کشور عرب حوزه خلیج فارس از جمله بحرین، کویت، قطر و عمان پاسخ داد. آژیرهای هشدار موشکی در سراسر این کشورها به صدا درآمد. وزارت کشور قطر اعلام کرد که سه نفر بر اثر اصابت ترکش ناشی از رهگیری حملات ایران مجروح شده‌اند. ارتش کویت نیز از رهگیری آتش متخاصم خبر داد و در بحرین برای سومین بار آژیرهای هشدار فعال شد. عمان نیز از اصابت پهپادها به مناطقی در شمال شرق این کشور خبر داد. امارات متحده عربی اعلام کرد که موشک‌ها وارد مرزهای این کشور نشده‌اند. آسوشیتد پرس می‌افزاید که محمداقبر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و مذاکره‌کننده ارشد ایران، در واکنش هشدار داد: «دوران معامل‌های یکطرفه تمام شده است. به شما گفتیم: به قولتان پاینده باشید یا تاونش را بپردازد.» این درگیری‌ها تلاش‌ها برای دستیابی به توافق صلح پایدار را در معرض فروپاشی کامل قرار داده است. تنگه هرمز همچنان نقطه اختلاف است و ایران بر کنترل انحصاری آن و دریافت عوارض از کشتی‌ها تأکید دارد. این در حالی است که پیش از جنگ، حدود یکپنجم نفت و گاز طبیعی جهان از این آبراه عبور می‌کرد. گزارش آسوشیتد پرس از تشدید درگیری‌ها و حمله آمریکا به ۱۴۰ هدف در ایران در واکنش به حمله ایران به یک کشتی در تنگه هرمز حکایت دارد. ایران نیز با حملات گسترده به بحرین، کویت، قطر و عمان پاسخ داد و قالیباف با هشدار درباره پایان دوران معامله‌های یکطرفه، بر عزم ایران تأکید کرد. این چرخه جدید درگیری، مذاکرات صلح را در آستانه فروپاشی قرار داده و تنگه هرمز همچنان کانون اصلی اختلاف است. رسانه‌های عربی، امیداین در مقاله ای بر این دیدگاه تأکید دارد که ایران با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی خود، تنگه هرمز را از یک گذرگاه انرژی به اهرمی راهبردی در برابر ایالات متحده تبدیل کرده است. به اعتقاد نویسنده، اختلاف دو طرف تنها بر سر برنامه هسته‌ای یا تحریم‌ها نیست، بلکه نقش ایران در امنیت و مدیریت تنگه هرمز نیز به یکی از محورهای اصلی مذاکرات تبدیل شده است. نویسنده مدعی است آمریکا تلاش کرده با ایجاد مسیرهای جایگزین و کاهش وابستگی به هرمز، از اهمیت این اهرم بکاهد، اما واقعیت جغرافیایی قابل تغییر نیست.

چرا حزب الله با توافق واشنگتن مخالف است؟



رها کردن بدنه اجتماعی خود می‌داند؛ بنابراین صلاح را در ترجیح اتخاذ رویکردی تقابلی دانسته و معتقد است که افزایش تدریجی هزینه‌های امنیتی، اشغالگران را به خروج اجباری وادار می‌سازد.

پهره سخن
مخالفت قاطعانه با توافقات تحمیلی، مختصات ساختاری «محور مقاومت» را به عنوان بازگرایی هوشمند و تعیین‌کننده در معادلات ژئوپلیتیک آشکار می‌سازد که نخستین ویژگی آن، نگاه هستی‌شناسانه و غیرقابل‌انکار به «قدرت سخت و بازدارندگی» به عنوان تنها سپر دفاعی در برابر پروژه‌های توسعه‌طلبانه است. این رویکرد متکی بر توان نظامی، با پیوستگی ارگانیک و تعهدی خدشه‌ناپذیر به بدنه اجتماعی گره خورده است؛ به گونه‌ای که مقاومت هرگز به معادلاتی که به آوارگی پایگاه مردمی‌اش و تبدیل مناطق مسکونی جنوب به کمربند حائل یا «منطقه سوخته» بینجامد تن نخواهد داد.
افزون بر این برخورداری از هوشمندی راهبردی و درک واقعیت‌پناهنه از دکنترین دشمن سبب می‌شود تا این محور به جای گرفتار شدن در تله توافقات تفرقه‌افکن و امید بستن به تضمین‌های شکننده بین‌المللی، دکنترین «فرسایش راهبردی» و «مقاومت فعال» را در میدان عمل پیاده‌سازی کند؛ راهبردی که با طی کردن روند تدریجی هزینه‌های امنیتی و نظامی، خروج اشغالگران از اراضی را از یک وعده مهیم دیپلماتیک به یک اجبار در میدان و عمل تبدیل می‌سازد.



توقیف ۳۷۵ کیلوگرم طلا

به نقل از الجزیره، مرکز رسانه‌ای دستگاه قضایی عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد که «دادگاه مرکزی تحقیقات جنایی مبارزه با فساد» با هماهنگی اقلیم کردستان و تحت نظارت «فائق زیدان»، رئیس شورای عالی قضایی، موفق شد ۳۵۸ کیلوگرم طلا را در پرونده «عدنان الجمیلی»، معاون بازداشت شده وزیر نفت در امور بالایش، کشف و ضبط کند. این شورا افزود که ۱۷ کیلوگرم طلای دیگر نیز در یک پرونده تحقیقاتی جداگانه کشف شده که مجموع طلاهای توقیف‌شده در روز دوشنبه را به ۳۷۵ کیلوگرم رسانده است. بر اساس بیانیه، این محموله‌ها به اداره چاپ و خزانه بانک مرکزی عراق تحویل داده شدند. مرکز رسانه‌ای دستگاه قضایی، در بیانیه‌ای جداگانه اعلام کرد که «دادگاه تحقیقات نینوا» در راستای تحقیقات پرونده الجمیلی، حکم توقیف ۱ ملک تجاری و ۳ کارخانه تولید آرد در شهر موصل را صادر کرده است. طبق این بیانیه، ارزش کل این املاک و کارخانه‌ها حدود ۶۹ میلیارد دینار عراق (تقریباً ۵۲.۶ میلیون دلار) است. علاوه بر این، ۷ دستگاه کامیون مدرن نیز توقیف شده که ارزش هر کدام حدود ۲۰۰ هزار دلار برآورد می‌شود. مرکز رسانه‌ای قضایی خاطرنشان کرد که متهمان فراری برای فریب قانون و پنهان کردن منشأ غیرقانونی این اموال، آن‌ها را به نام کارگران خود ثبت کرده بودند. دادگاه تصمیم گرفت برای مدیریت این املاک و کارخانه‌ها که دارایی‌های تولیدی و سودآور محسوب می‌شوند، وکیل قضایی تعیین کند تا ضمن حفظ این دارایی‌ها، سود حاصل از آن‌ها به نفع دولت جمع‌آوری شود. شورای عالی قضایی عراق همچنین بر ادامه پیگرد متهمان فراری، بازپرس‌گیری اموال متعلق و غیرمقتول حاصل از جرایم فساد و محاکمه همه افراد دخیل مطابق با قانون تأکید کرد. این اقدامات در چارچوب تحقیقات از «عدنان الجمیلی» صورت می‌گیرد که در ۳ ژوئن گذشته به دلیل شبهات مربوط به هدر دادن اموال عمومی، انعقاد قراردادهای غیرقانونی و پولشویی از سمت خود برکنار شد. دستگاه قضایی عراق طی روزهای گذشته از بازداشت ده‌ها مظنون به فساد مالی و اداری مرتبط با این پرونده، از جمله نمایندگان مجلس و مقامات اجرایی که مصونیت آن‌ها برای تکمیل تحقیقات لغو شده، خبر داده بود.

■ مخالفت بنیادین حزب‌الله لبنان با توافقات و طرح‌های ارائه‌شده از سوی

محور آمریکا و رژیم صهیونیستی، ریشه در یک درهم‌تیندگی پیچیده از تجربیات تاریخی و واقعیت‌های میدانی و سیاسی در زمان حاضر دارد. در بررسی علل تاریخی این رویکرد تقابلی، مقاومت به تجربه تلخ سه جنگ ویرانگر و دهم‌اشغالگری و جنایت مستمر اشاره می‌کند. تجربیاتی که هرگونه بستر اعتماد به تضمین‌های طرف مقابل مبنی بر احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی لبنان را به طور کامل از میان برده است.

از منظر تاریخی، فقدان ظرفیت‌های دفاعی لازم در ارتش لبنان، تسلیحات مقاومت را به عنوان تنها ضامن امنیت، به‌ویژه برای ساکنان جنوب این کشور، تثبیت کرده است. اما در زمان حاضر، مخالفت حزب‌الله ابعاد جدیدتر و ساختاریافته‌تری به خود گرفته است. به گونه‌ای که این توافق به عنوان یک «تله راهبردی» و پروژه‌ای برای خلع سلاح ارزیابی می‌شود که هدف آن نابودی هسته مرکزی معادله بازدارندگی است.

علاوه بر این، در بعد سیاسی و حقوقی، مقاومت با اشاره به فقدان مشروعیت قانون اساسی، هرگونه مذاکره مستقیم و اعطای امتیاز را غیرقانونی و زمینه‌ساز شکاف‌های عمیق داخلی می‌داند. ترکیب این مؤلفه‌های گذشته و حال، حزب‌الله را به این نتیجه رسانده است که پذیرش چنین شروطی، نه تنها به معنای تسلیم در برابر اشغالگری دشمن است، بلکه به انزوای مقاومت در جبهه داخلی و تداوم اشغال جنوب رودخانه لیتانی توسط رژیم صهیونیستی منجر خواهد شد. با این حال در ادامه این یادداشت سعی خواهیم کرد به علل مخالف حزب الله نسبت به مفاد این تفاهم بپردازای

«خط قرمز» خلع سلاح
حزب‌الله لبنان مخالفت بنیادین خود با این توافق را بر پایه تلاش محور آمریکا و رژیم صهیونیستی برای تحمیل «خلع سلاح» به عنوان پیش‌شرط قطعی قلمداد می‌کند. از دید حزب‌الله، با توجه به ضعف مفرط ارتش لبنان در حوزه‌های هوایی، دریایی و زمینی، این تسلیحات صرفاً ابزاری نظامی نیستند، بلکه هسته مرکزی معادله بازدارندگی و تنها ضامن امنیت مردم، به‌ویژه ساکنان شیعه جنوب لبنان محسوب می‌شوند.

تجربه تلخ سه جنگ ویرانگر، اشغالگری‌های پیشین و جنایت چهار دهه اخیر، هرگونه اعتماد به تضمین‌های اسرائیل برای عقب‌نشینی و احترام به حاکمیت لبنان را از بین برده است. در واقع مقاومت بر این باور است که پذیرش خلع سلاح، سپر دفاعی کشور را نابود کرده و مسیر را برای اجرای بدون مانع پروژه توسعه‌طلبانه «اسرائیل بزرگ» از مبدأ لبنان هموار خواهد کرد.

مقاومت به مثابه نیروی سپر ملی
یکی دیگر از دلایل اصلی مخالفت حزب‌الله با توافق اولیه میان لبنان و اسرائیل، پیامدهای مخرب سیاسی، امنیتی و حقوقی این اقدام برای کشور است. حسن فضل‌الله تأکید می‌کند که مذاکره مستقیم با



بزرگترین فاجعه اقتصاد بین الملل

کارشناسان مسائل اقتصادی ضمن هشدار در خصوص بی ثباتی در بازارهای بین‌المللی، نسبت به بروز بزرگترین فاجعه اقتصاد بین‌الملل از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون هشدار دادند. خبرگزاری اسپوتنیک به نقل از کارشناسان اقتصادی، نسبت به پیامدهای خطرناک و گسترده‌ای که می‌تواند اقتصاد جهانی را در پی ازسریگیری تجاوزهای آمریکا به ایران و بستن تنگه هرمز تحت تأثیر قرار دهد، هشدار داد.

کارشناسان معتقدند که تنش‌ها تأثیر فوری بر قیمت انرژی خواهد داشت و سطح ریسک را در رابطه با آینده سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های بزرگ، به‌ویژه در سایه اختلال در عملیات صادرات نفت، به شدت افزایش می‌دهد.

ریسک‌های ژئوپلیتیک اقتصاد جهانی
دکتر محمد بن دلیم القحطانی، کارشناس اقتصادی عربستان، تأکید کرد که بازارها در کوتاه‌مدت تمایل دارند هزینه افزوده ریسک های ژئوپلیتیک بین المللی را به قیمت‌ها اضافه کنند.

این موضوع حتی اگر با کاهش ناوبری در تنگه هرمز همراه نشود، می‌تواند باعث افزایش قیمت نفت و گاز شود.

قحطانی در گفتگو با اسپوتنیک تصریح کرد که تداوم بحران یا ایجاد اختلال طولانی‌مدت در کشتیرانی، ممکن است کشورهای مصرف‌کننده را وادار کند تا تنوع بخشیدن به منابع انرژی را در دستور کار خود قرار دهند و سرمایه‌گذاری در خطوط لوله جایگزین را افزایش دهند و ذخایر استراتژیک خود را بالا برده و پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر را سرعت بخشند.

وی افزود که اقتصاد جهانی نه تنها تحت تأثیر رویدادهای مستقیم، بلکه تحت تأثیر وضعیت بی ثبات قرار می‌گیرد.

از مهم‌ترین پیامدهای پیش‌بینی شده می‌توان به افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه، بازگشت فشارهای تورمی، کند شدن تجارت بین‌الملل، کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و نوسانات شدید در بازارهای مالی اشاره کرد؛ همچنین احتمال اینکه بانک‌های مرکزی تصمیم خود برای کاهش نرخ بهره را به تعویق بینازند، وجود دارد.

وی خاطرنشان کرد که هرگونه اختلال در گذرگاه‌های دریایی بر کل اقتصاد بین‌المللی تأثیرگذار خواهد بود، آن هم در شرایطی که اقتصاد کشورهای گروه ۲۰، سالانه بیش از ۱۰۷ تریلیون دلار کالا تولید می‌کنند.

تأثیرات فرمانطقه‌ای مسدود شدن تنگه هرمز
از سوی دیگر، عماد عكوش، کارشناس اقتصادی لبنانی، هشدار داد که هرگونه اقدام در جهت بستن تنگه هرمز، تأثیرات صرفاً منطقه‌ای نخواهد داشت، بلکه تمام اقتصاد جهان را به اختلال خواهد برد.

وی در گفتگو با اسپوتنیک تصریح کرد که قیمت نفت در کوتاه‌مدت بر اثر ناامنی در منطقه افزایش خواهد داشت و با توجه به نبود جایگزین فوری برای حدود ۱۴ تا ۲۰ میلیون بشکه در روز، قیمت‌ها از مرز ۱۲۰ تا ۱۵۰ دلار در هر بشکه عبور خواهد کرد.

وی همچنین خاطرنشان کرد که بخش گاز ممکن است با شوک شدیدتری، به‌ویژه در اروپا و آسیا روبرو شود، زیرا این مناطق وابستگی زیادی به گاز قطر دارند که از طریق تنگه هرمز عبور می‌کند.

قاتل خاموش رشد اقتصادی
عكوش با تأکید بر اینکه وضعیت «بی ثباتی»، قاتل خاموش رشد اقتصادی است، به دلیل افزایش قیمت انرژی و هزینه‌های حمل‌ونقل، تولید و کالاهای غذایی، نسبت به ورود اقتصاد جهانی به سایه «رکود تورمی» هشدار داد.

وی معتقد است که این بحران مستقیماً زنجیره‌های تأمین و غذا را تحت تأثیر قرار خواهد داد، زیرا کشورهای حوزه خلیج فارس بیش از ۸۰ درصد نیازهای غذایی خود را از طریق این تنگه وارد می‌کنند.

همچنین بستن تنگه منجر به جهش بی‌سابقه در هزینه‌های بیمه دریایی خواهد شد که تجارت بین‌الملل را مختل کرده و سرمایه‌گذاران را به سمت پناهگاه‌های امن مانند طلا و دلار سوق می‌دهد.

دکتر عكوش در مورد پروژه‌های بزرگ خلیج فارس گفت کشورهای منطقه که برای تأمین مالی برنامه‌های تحول خود (مانند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان و پروژه‌های امارات) به درآمد‌های انرژی متکی هستند، بفشندت آسیب خواهند دید.

زیرا با وجود افزایش «کاغذی» قیمت نفت، ناتوانی لجستیکی در صادرات، این کشورها را از جریان نقدینگی واقعی محروم خواهد کرد.

بزرگترین فاجعه از زمان جنگ جهانی دوم
وی در پایان افزود: اگر جنگ گسترش یابد و به یک رویارویی منطقه‌ای فراگیر تبدیل شود که زیرساخت‌های نفتی را ویران کند، جهان با بزرگترین سناریوی فاجعه‌آفرین از زمان جنگ جهانی دوم روبرو خواهد شد؛ جایی که قیمت نفت ممکن است به ۲۰۰ دلار یا بیشتر در هر بشکه برسد.

این امر به فروپاشی کامل اقتصاد در منطقه و رکود عمیق در جهان منجر خواهد شد که در پی آن، بخش‌های صنعتی کامل در اروپا و آسیا که توان تحمل قیوس بالای انرژی را ندارند، ورشکسته خواهند شد.

اصلاح سازوکار تأمین ارزیاریتی

بر اساس دستورالعمل منتشرشده از سوی بانک مرکزی در حوزه تأمین و فروش ارز زیاریتی اربعین، سازوکار عرضه این ارز در سال جاری نسبت به سنوات گذشته دستخوش تغییر شده است. مطابق این رویه، تأمین ارز اربعین برخلاف دوره‌های پیشین، از محل منابع داخلی شبکه تحت نظارت بانک مرکزی شامل بانکها و صرافی‌ها مورد تمهید قرار گرفته است؛ تغییری که در شرایط فعلی اقتصاد ارزی کشور، از منظر مدیریت مصارف و اولویت‌بندی نحوه استفاده از منابع، اقدامی منطقی و در راستای کاهش فشار بر منابع عمومی تلقی می‌شود.

این تغییر در حالی صورت گرفته که اقتصاد کشور در ماه‌های اخیر به ویژه متأثر از شرایط جنگی با محدودیت‌های ارزی فشرده‌تری مواجه بوده و ضرورت مدیریت دقیق‌تر تقاضاهای ارزی، بیش از گذشته در کانون تصمیم‌گیری قرار گرفته است. در چنین فضایی واگذاری مسئولیت تأمین ارز زیاریتی به شبکه رسمی عرضه، به این مناسبت که این بخش از تقاضا، بدون اتکا به منابع ملی و از مسیر ظرفیت‌سازی در بازار رسمی پاسخ داده می‌شود؛ موضوعی که از منظر تخصیص بهینه منابع، قابل توجه است.

بررسی‌های میدانی از شعب بانکی واحدهای ارزی و صرافی‌های فعال در فروش دینار نشان می‌دهد که نرخ‌های فروش در شبکه عرضه، یکسان نیست و بسته به شیوه تأمین، نحوه ارائه خدمت و مدل فروش، در دامنه‌های متفاوتی قرار دارد. بر این اساس، بخشی از بانکها که با اتکا به منابع خود اقدام به تأمین ارز کرده و همزمان فروش را در قالب‌های تسهیل‌شده‌تری نظیر بسترهای برخط، دسترسی از طریق شبکه گسترده شعب و فرآیندهای غیرحضوری انجام می‌دهند، نرخ‌هایی در دامنه حدود ۱۲۵ تا ۱۲۷ تومان به ازای هر دینار اعلام کرده‌اند. در مقابل، در برخی صرافی‌ها و مسیرهای فروش حضوری، نرخ‌ها پایین‌تر بوده و در برخی شهرهای مرزی در حدود ۱۱۷ تومان و در تهران نزدیک به ۱۲۰ تومان به ازای هر دینار گزارش شده است.

حسب اطلاعات موجود نیز این تفاوت نرخ‌ها، در چارچوب فعلی، به نحوه و کیفیت ارائه خدمت بازمی‌گردد. خرید برخط، دسترسی در شهر محل سکونت، استفاده از شبکه شعب بانکی، کاهش رفت‌وآمد و تسهیل فرایند دریافت، همگی واجد هزینه عملیاتی‌اند و در قیمت تمام‌شده خدمت منعکس می‌شوند. به همین دلیل، تفاوت محدود نرخ میان برخی بانکها و صرافی‌ها در بازار ارز زیاریتی، بیش از آنکه یک ناهماهنگی تلقی شود، بازتاب تفاوت در ساختار هزینه، سطح خدمت و مدل توزیع است.

به گفته فعالان شبکه ارزی، فروش برخط ارز صرفاً یک خدمت نرم‌افزاری ساده نیست و پشت آن، مجموعه‌ای از زیرساخت‌های احراز هویت، کنترل‌های نظارتی، سامانه‌های پرداخت، فرآیندهای تسویه، پشتیبانی عملیاتی و همچنین برنامه‌ریزی برای تأمین و توزیع اسکناس در سطح شعب قرار دارد. از سوی دیگر، توزیع و لجستیک منابع در شبکه بانکی سراسر کشور نیز هزینه‌های مستقیمی در حوزه حمل، امنیت، تخصیص و نگهداری ایجاد می‌کند؛ آن‌هم در شرایطی که این عملیات صرفاً با هدف تسهیل دسترسی متقاضیان در نقاط مختلف کشور انجام می‌شود. از این منظر، شکل‌گیری دامنه‌های قیمتی متفاوت در شبکه رسمی فروش واجد منطق اجرایی و اقتصادی است.

نکته مهم آن است که با انتقال مسئولیت تأمین ارز زیاریتی به شبکه رسمی و عدم تحمیل هزینه‌های مشروح به دولت (که در صورت

تأمین ارز زیاریتی اربعین، سازوکار عرضه این ارز در سال جاری نسبت به سنوات گذشته دستخوش تغییر شده است. مطابق این رویه، تأمین ارز اربعین برخلاف دوره‌های پیشین، از محل منابع داخلی شبکه تحت نظارت بانک مرکزی شامل بانکها و صرافی‌ها مورد تمهید قرار گرفته است؛ تغییری که در شرایط فعلی اقتصاد ارزی کشور، از منظر مدیریت مصارف و اولویت‌بندی نحوه استفاده از منابع، اقدامی منطقی و در راستای کاهش فشار بر منابع عمومی تلقی می‌شود.

این تغییر در حالی صورت گرفته که اقتصاد کشور در ماه‌های اخیر به ویژه متأثر از شرایط جنگی با محدودیت‌های ارزی فشرده‌تری مواجه بوده و ضرورت مدیریت دقیق‌تر تقاضاهای ارزی، بیش از گذشته در کانون تصمیم‌گیری قرار گرفته است. در چنین فضایی واگذاری مسئولیت تأمین ارز زیاریتی به شبکه رسمی عرضه، به این مناسبت که این بخش از تقاضا، بدون اتکا به منابع ملی و از مسیر ظرفیت‌سازی در بازار رسمی پاسخ داده می‌شود؛ موضوعی که از منظر تخصیص بهینه منابع، قابل توجه است.

حسب اطلاعات موجود نیز این تفاوت نرخ‌ها، در چارچوب فعلی، به نحوه و کیفیت ارائه خدمت بازمی‌گردد. خرید برخط، دسترسی در شهر محل سکونت، استفاده از شبکه شعب بانکی، کاهش رفت‌وآمد و تسهیل فرایند دریافت، همگی واجد هزینه عملیاتی‌اند و در قیمت تمام‌شده خدمت منعکس می‌شوند. به همین دلیل، تفاوت محدود نرخ میان برخی بانکها و صرافی‌ها در بازار ارز زیاریتی، بیش از آنکه یک ناهماهنگی تلقی شود، بازتاب تفاوت در ساختار هزینه، سطح خدمت و مدل توزیع است.

به گفته فعالان شبکه ارزی، فروش برخط ارز صرفاً یک خدمت نرم‌افزاری ساده نیست و پشت آن، مجموعه‌ای از زیرساخت‌های احراز هویت، کنترل‌های نظارتی، سامانه‌های پرداخت، فرآیندهای تسویه، پشتیبانی عملیاتی و همچنین برنامه‌ریزی برای تأمین و توزیع اسکناس در سطح شعب قرار دارد. از سوی دیگر، توزیع و لجستیک منابع در شبکه بانکی سراسر کشور نیز هزینه‌های مستقیمی در حوزه حمل، امنیت، تخصیص و نگهداری ایجاد می‌کند؛ آن‌هم در شرایطی که این عملیات صرفاً با هدف تسهیل دسترسی متقاضیان در نقاط مختلف کشور انجام می‌شود. از این منظر، شکل‌گیری دامنه‌های قیمتی متفاوت در شبکه رسمی فروش واجد منطق اجرایی و اقتصادی است.

نکته مهم آن است که با انتقال مسئولیت تأمین ارز زیاریتی به شبکه رسمی و عدم تحمیل هزینه‌های مشروح به دولت (که در صورت



نقشه جدید تجارت خارجی ایران

در شرایطی که بخش عمده تجارت جهانی از مسیر موافقتنامه‌های منطقه‌ای و دوجانبه انجام می‌شود، ایران نیز طی سال‌های اخیر تلاش کرده است با توسعه موافقتنامه‌های تجاری، سهم خود را از بازارهای منطقه‌ای افزایش دهد. اجرای موافقتنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، مذاکرات برای ارتقای موافقتنامه با پاکستان، بازنگری موافقتنامه‌های دی‌ا، اکو و سازمان همکاری اسلامی، نشان می‌دهد سیاست تجاری کشور از توافقات محدود ترجیحی به سمت همکاری‌های عمیق‌تر اقتصادی در حال حرکت است؛ مسیری که به اعتقاد کارشناسان، در صورت رفع موانع داخلی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش صادرات غیرنفتی و تنوع‌بخشی به بازارهای هدف ایران باشد.

با وجود آنکه روند الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت (WTO) همچنان متوقف مانده، توسعه موافقتنامه‌های منطقه‌ای به یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست تجاری کشور تبدیل شده است؛ توافقی‌هایی که با کاهش تعرفه‌های گمرکی، حذف بخشی از محدودیت‌های تجاری و تسهیل دسترسی کالاها به بازارهای هدف، می‌توانند هزینه تجارت را کاهش داده و قدرت رقابت صادرکنندگان را افزایش دهند.

اله‌ام حاجی‌کریمی، مدیر احیای دفتر موافقتنامه‌های تجاری و سازمان‌های بین‌المللی سازمان توسعه تجارت ایران، موافقتنامه‌های تجاری را مقدمه توسعه پایدار تجارت میان کشورها دانسته و می‌گوید: «تجار از موافقتنامه‌های تجاری که دولت‌ها با یکدیگر منعقد می‌کنند، برای تسهیل تجارت و بهر‌مندی از امتیازات و تسهیلات تجاری استفاده می‌کنند.»

از کاهش تعرفه تارفع موانع تجاری

تقریباً همه کشورها برای حمایت از تولید داخلی، تعرفه‌های گمرکی، محدودیت‌های وارداتی، استانداردهای فنی و ضوابط بهداشتی خاص خود را اعمال می‌کنند. در چنین شرایطی، موافقتنامه‌های تجاری به ابزاری برای کاهش این موانع تبدیل شده‌اند.

حاجی‌کریمی در تشریح کارکرد این توافقات می‌گوید: «کشورها برای تسهیل روند تجارت، در زمینه رفع موانع و محدودیت‌های تجاری یا کاهش تعرفه‌های حقوق گمرکی با یکدیگر توافقی‌هایی منعقد می‌کنند که این قرارداده‌ها تحت عنوان موافقتنامه‌های تجاری شناخته می‌شوند.»

به گفته وی، هرچند حدود ۱۶۴ کشور عضو سازمان جهانی تجارت هستند و قواعد تجارت بین‌الملل را در قالب این سازمان دنبال می‌کنند، اما امروز بخش عمده توسعه تجارت جهان از مسیر موافقتنامه‌های دوجانبه و منطقه‌ای انجام می‌شود؛ توافقی‌هایی که در بسیاری از موارد فراتر از الزامات سازمان جهانی تجارت بوده و امتیازات بیشتری را میان اعضا ایجاد می‌کنند.

تجارت ترجیحی؛ نخستین گام همکاری اقتصادی

در میان انواع موافقتنامه‌های تجاری، تجارت ترجیحی ساده‌ترین سطح همکاری محسوب می‌شود؛ مدلی که در آن کشورها تنها برای گروه مشخصی از کالاها تخفیف تعرفه‌ای در نظر می‌گیرند و سایر کالاها همچنان مشمول تعرفه‌های معمول هستند.

ایران در حال حاضر پنج موافقتنامه تجارت ترجیحی دوجانبه با ترکیه، پاکستان، تونس، کوبا و بوسنی و هرزگوین دارد. علاوه بر این، کشورمان در قالب موافقتنامه تجارت ترجیحی دی‌ا و همچنین موافقتنامه تجارت ترجیحی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی نیز مشارکت می‌کند.

با این حال، بسیاری از این توافقتنامه‌ها طی سال‌های گذشته نیازمند بازنگری شده‌اند. قدیمی شدن فهرست کالاهای مشمول تخفیف، تغییر ساختار تجارت جهانی و کاهش اثرگذاری برخی امتیازات تعرفه‌ای موجب شده مذاکرات برای اصلاح این توافقات از سال گذشته آغاز شود.

حاجی‌کریمی در این خصوص می‌گوید: «پیشنهاد شده است این توافقتنامه‌ها یک گام فراتر رفته و از تجارت ترجیحی به سمت موافقتنامه تجارت آزاد یا موافقتنامه‌های جامع همکاری حرکت «کنند».

به گفته این مقام مسئول، مذاکرات مربوط به بازنگری موافقتنامه‌های دی‌ا، سازمان همکاری اسلامی و اکو در دستور کار قرار گرفته تا این توافقات متناسب با شرایط جدید تجارت منطقه‌ای به‌روزرسانی شوند.

تجارت آزاد؛ مرحله بعدی همکاری‌های اقتصادی

در صورت ارتقای یک موافقتنامه از تجارت ترجیحی به تجارت آزاد، دامنه همکاری‌ها به شکل قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند؛ در موافقتنامه تجارت آزاد بین ۸۰ تا ۹۰ درصد تعرفه‌های گمرکی میان کشورهای عضو حذف می‌شود و تنها تعداد محدودی از کالاها در فهرست اقلام منفی باقی می‌مانند؛ در حالی که در تجارت ترجیحی تنها برای فهرست محدودی از کالاها تخفیف تعرفه‌ای در نظر گرفته می‌شود.

در همین راستا، ایران مذاکراتی را برای ارتقای موافقتنامه تجارت ترجیحی با پاکستان آغاز کرده است؛ مذاکراتی که همچنان ادامه دارد و بررسی فهرست اقلام مشمول تجارت آزاد با هماهنگی دستگاه‌های داخلی در حال انجام است. همزمان، تهران و اسلام‌آباد هدف‌گذاری بلندپروازانه‌ای برای افزایش حجم مبادلات تجاری تا سقف ۱۰ میلیارد دلار را دنبال می‌کنند؛ هدفی که تحقق آن علاوه بر توسعه موافقتنامه‌های تجاری، به بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تسهیل مبادلات بانکی و رفع موانع مرزی نیز وابسته است. چرا موافقتنامه‌ها برای ایران اهمیت پیدا کرده‌اند؟ کارشناسان اقتصادی معتقدند در شرایطی که ایران هنوز عضو سازمان جهانی تجارت نیست، موافقتنامه‌های منطقه‌ای مهم‌ترین ابزار کشور برای حفظ و توسعه بازارهای صادراتی محسوب می‌شوند. این توافقات علاوه بر کاهش هزینه ورود کالا به بازارهای هدف، می‌توانند مسیر همکاری در حوزه‌هایی مانند استانداردها، گمرک، ترانزیت، سرمایه‌گذاری و خدمات را نیز هموار کنند.



نیز بیشتر متکی به شرایط عرضه و کیفیت خدمت شده است. این الگو، در عمل، ضمن آنکه امکان تهیه ارز را برای متقاضیان حفظ کرده و ابستگی این بخش از تقاضا به منابع ملی را کاهش داده و پاسخ‌گویی به نیاز موجود را در بستر رسمی بازار استمرار بخشیده است.

از منظر تحلیلی، این تغییر چند پیامد مشخص دارد. نخست آنکه فشار مستقیم بر منابع عمومی کاهش می‌یابد و بخشی از تقاضا از محل ظرفیت شبکه رسمی پاسخ می‌گیرد. دوم آنکه با نزدیک‌تر شدن قیمت فروش به واقعیت هزینه تأمین و توزیع، زمینه بروز تقاضاهایی که صرفاً به انگیزه اختلاف نرخ وارد فرایند می‌شوند، محدودتر می‌شود.

سوم آنکه بازار رسمی، به جای ایفای نقش صرفاً اداری، در قالب یک سازوکار خدمت‌محور و دارای انتخاب‌های متنوع‌تر برای متقاضی، نقش فعال‌تری پیدا می‌کند. البته در عین حال، این الگو برای آنکه به نتیجه

مطلوب برسد، به چند پیش‌شرط روشن نیاز دارد. مهم‌ترین پیش‌شرط، شفافیت کامل در اعلام نرخ‌ها، شرایط فروش، بستر دریافت خدمت و زمان تحویل است تا متقاضی بتواند میان گزینه‌های مختلف مقایسه دقیق انجام دهد. پیش‌شرط دوم، تقویت اتصال داده‌ای میان سامانه‌های ثبتنام، فروش ارز و اطلاعات خروج از کشور است؛ چراکه بدون این اتصال، ارزیابی دقیق انطباق میان دریافت ارز و مصرف واقعی همچنان با ابهام مواجه خواهد بود. پیش‌شرط سوم نیز حفظ کفایت عرضه در شبکه رسمی است تا تفاوت در کیفیت خدمت، به اختلال در دسترسی یا ازدحام نامتعارف در برخی مسیرهای فروش منجر نشود. بررسی‌های میدانی نیز حاکی از آن است که بخشی از متقاضیان، نرخ پایین‌تر را در فروش حضوری ترجیح می‌دهند و بخشی دیگر، به‌ویژه در شهرهای غیر مرزی و بزرگ، خرید از مسیر بانکی و غیرحضوری را به دلیل سهولت بیشتر انتخاب می‌کنند. این الگوی رفتاری نشان می‌دهد که در بازار فعلی، ترجیحات مصرف‌کننده صرفاً بر مبنای نرخ اسمی دینار شکل نمی‌گیرد، بلکه هزینه زمانی، سهولت دسترسی و کیفیت تجربه دریافت خدمت نیز در تصمیم‌گیری او مؤثر است. در مجموع، آنچه در سازوکار جدید فروش ارز زیاریتی مشاهده می‌شود، بخشی از یک تنظیم‌گری واقعیت‌نا‌تر در حوزه مصارف ارزی است؛ تنظیم‌گری‌ای که تلاش دارد به‌جای اتکا به مصرف مہار نشده منابع ملی، از ظرفیت بازار رسمی برای پاسخ‌گویی به تقاضا استفاده کند. هزینه واقعی خدمت را در نرخ‌ها منعکس سازد و همزمان، از تکرار برخی نارسایی‌های و کژکارکردی‌های سنوات گذشته جلوگیری کند. در شرایطی که سیاست‌گذار ناگزیر از اولویت‌بندی در مصرف ارز است، تأمین این نوع تقاضا از محل منابع داخلی شبکه رسمی، اقدامی منطقی و منطبق با ملاحظات کلان مدیریت ارز محسوب می‌شود.

ابلاغ سیاست‌های دریا محور رهبر شهید

تولید ناخالص داخلی کشور است. اقتصاد دریا مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌ها شامل حمل‌ونقل دریایی، بنادر، صنایع کشتی‌سازی، شیلات، گردشگری دریایی، صنایع فراساحل، انرژی‌های دریایی و تجارت بین‌المللی را در بر می‌گیرد. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور، سهم اقتصاد دریا از تولید ناخالص داخلی به یکی از ارکان اصلی رشد اقتصادی تبدیل شده است؛ موضوعی که در ایران هنوز به نقطه مطلوب نرسیده است.

از سوی دیگر، توسعه دریامحور با هدف افزایش صادرات و تقویت جایگاه ایران در تجارت منطقه‌ای و جهانی دنبال می‌شود. قرار گرفتن ایران در مسیر کریدورهای مهم بین‌المللی از جمله کریدور شمال — جنوب، ظرفیت قابل توجهی برای تبدیل شدن کشور به هاب ترانزیتی منطقه ایجاد کرده است. این موقعیت می‌تواند علاوه بر افزایش درآمدهای ترانزیتی، نقش مهمی در تقویت پیوندهای اقتصادی ایران با کشورهای منطقه و جهان ایفا کند.

مکران؛ گنج پنهان اقتصاد آینده ایران

در این میان، سواحل مکران جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های توسعه دریامحور دارند. بسیاری از کارشناسان معتقدند مکران یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های توسعه‌ای ایران در قرن حاضر به شمار می‌رود. سواحل مکران جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های توسعه دریامحور دارند. بسیاری از کارشناسان معتقدند مکران یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های توسعه‌ای ایران در قرن حاضر به شمار می‌رود؛ این منطقه به دلیل دسترسی مستقیم به آبهای آزاد نزدیک به مسیرهای اصلی تجارت جهانی و برخورداری از ظرفیت‌های گسترده صنعتی، معدنی، انرژی و گردشگری می‌تواند به یکی از مهم‌ترین قطب‌های اقتصادی کشور تبدیل شود. چابهار به عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران نیز در همین چارچوب اهمیت پیدا می‌کند. این بندر نه تنها امکان دسترسی مستقیم به اقیانوس هند را فراهم می‌کند، بلکه می‌تواند حلقه اتصال ایران به بازارهای آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه باشد. توسعه زیرساخت‌های بندری، ریلی و جاده‌ای در این منطقه می‌تواند نقش ایران را در زنجیره تجارت جهانی ارتقا دهد.

در شرایط کنونی که رقابت میان کشورها برای تصاحب سهم بیشتر از تجارت جهانی و کریدورهای بین‌المللی شدت گرفته، اهمیت اجرای سیاست‌های توسعه دریامحور بیش از گذشته نمایان شده است. شکل‌گیری مسیرهای جدید تجاری، رقابت کشورهای منطقه برای جذب سرمایه‌گذاری و تلاش قدرت‌های اقتصادی برای کنترل مسیرهای حمل‌ونقل بین‌المللی، ضرورت استفاده حداکثری از ظرفیت‌های دریایی کشور را دوچندان کرده است.

در چنین شرایطی، اجرای کامل قانون توسعه دریامحور می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری یک تحول بزرگ در اقتصاد ایران باشد؛ تحولی که نه تنها به افزایش رشد اقتصادی و اشتغال منجر خواهد شد، بلکه می‌تواند جایگاه ژئوپلیتیکی کشور را نیز ارتقا دهد. بسیاری از کارشناسان معتقدند آینده اقتصاد جهانی بیش از هر زمان دیگری به دریا گره خورده و کشورهای که بتوانند از ظرفیت‌های دریایی خود به شکل هوشمندانه بهره ببرند، سهم بیشتری از تجارت، سرمایه‌گذاری و رشد



اقتصادی جهانی را به دست خواهند آورد.

از این منظر، سیاست‌های کلی توسعه دریامحور را باید فراتر از یک برنامه اقتصادی دانست؛ راهبردی ملی که با هدف استفاده حداکثری از مزیت‌های جغرافیایی ایران، افزایش تاب‌آوری اقتصادی، توسعه متوازن سرزمینی، تقویت امنیت ملی و ارتقای جایگاه کشور در معادلات منطقه‌ای و جهانی ابلاغ شده است. راهبردی که تحقق کامل آن می‌تواند در دهه‌های آینده، چهره اقتصادی و توسعه‌ای ایران را دگرگون کرده و دریا را به یکی از مهم‌ترین پیشران‌های پیشرفت کشور تبدیل کند.

حفظ ناوگان داخلی بخشی از راهبرد امنیت اقتصادی کشور است

حسن‌رضا صفری، رئیس انجمن مهندسی دریایی ایران درباره جایگاه راهبردی صنعت دریایی در اقتصاد کشور، اظهار کرد: تجربه اقتصاد دریایی ایران در دهه‌های گذشته نشان داده است که این بخش صرفاً یک حوزه اقتصادی نیست، بلکه بخشی از زیرساخت‌های حیاتی اقتصاد ملی به شمار می‌رود. تجارت خارجی ایران وابستگی قابل‌توجهی به حمل‌ونقل دریایی دارد و در مقطعی که دسترسی کشور به خدمات بین‌المللی با محدودیت مواجه می‌شود، ناوگان ملی عملاً نقش ستون فقرات زنجیره تأمین کشور را بر عهده می‌گیرد.

وی افزود: در تأمین اقتصاد حمل‌ونقل، چنین ظرفیتی با عنوان «توانمندی راهبردی دریایی» شناخته می‌شود؛ مفهومی که به توانایی یک کشور برای حفظ و تداوم جریان تجارت خارجی در شرایط بحران، تحریم یا اختلالات بین‌المللی اشاره دارد. برخورداری از این توانمندی راهبردی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تاب‌آوری اقتصادی کشورها محسوب می‌شود و نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ پایداری زنجیره تأمین و تأمین نیازهای کشور در شرایط خاص ایفا می‌کند. صفری با اشاره به خسارت‌های واردشده به صنعت دریایی کشور در جریان جنگ، اظهار کرد: در جنگ تحمیلی اخیر، قطب‌های کشتی‌سازی کشور هدف حملات قرار گرفتند. راهبردی بودن صنعت دریایی برای کشور موضوعی انکارناپذیر است و ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریامحور از سوی رهبر شهید نیز اهمیت این بخش را به‌خوبی نشان می‌دهد.

سم نیل بازیگر «پارک ژوراسیک» از دنیا رفت



■ سم نیل بازیگر «پارک ژوراسیک» در ۷۸ سالگی درگذشت.

به نقل از ددلاین، ساعتی پیش اعلام شد سم نیل بازیگر نیوزیلندی که برای بازی در مجموعه فیلم‌های «پارک ژوراسیک»، «پیکی بلاینדרز» و فیلم‌های مستقل شناخته می‌شود، در استرالیا درگذشت. وی که نامزدی چندین جایزه گلدن گلوب و امی را در کارنامه داشت، ۷۸ ساله بود.

در پستی که در صفحه نیل در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، آمده است: «با کمال تأسف، بازیامندگان سم نیل خبر درگذشت او را در روز دوشنبه ۱۳ جولای در سیدنی استرالیا به اشتراک می‌گذارند.»

در این پست از این فقدان به عنوان ناگهانی و غیرمنتظره یاد شده و تأکید شده که وی از سرطان رهایی یافته بود.

سم نیل که سال ۲۰۲۲ مخفتر به دریافت نشان شوالیه نیوزیلند شده بود، سال ۱۹۴۷ در ایرلند شمالی متولد شد. او و خانواده‌اش در سال ۱۹۵۴ به زادگاه پدرش در جنوب آقیانوس آرام بازگشتند.

نیل که بازیگری‌اش با فیلم «سگ‌های خوابیده» راجر دونالدسون در سال ۱۹۷۷ آغاز شده بود، در اواخر همان دهه برای به دست آوردن فرصت‌های بزرگ‌تر راهی استرالیا شد و سال ۱۹۷۹ با بازی در فیلم بسیار موفق «حرفه درخشان من» به کارگردانی گیلیان آرمسترانگ و بازی جودی دیویس، به جشنواره کن راه یافت و مورد توجه بین‌المللی قرار گرفت.

با انتشار خبر درگذشت وی، آنتونی آلبنیزی نخست‌وزیر استرالیا، نیل را برای نقش آفرینی «در بسیاری از داستان‌های محبوب استرالیایی و کسب جایگاه ویژه در قلب استرالیایی‌ها» ستود.



«ایشیق یُول» منتشر شد

■ «ایشیق یول» عنوان یکی از تازه‌ترین آثار منتشر شده در فرآیند تولید و توزیع آثار موسیقایی است که طی روزهای اخیر در قالب موسیقی ایل قشقایی و استفاده از هارمونی و ارکستراسیون موسیقی کلاسیک ایرانی با هنرمندی مسعود نامداری و علی اصغر بهرامی پیش روی شنوندگان موسیقی نواحی ایران قرار گرفته است. «داود سنسی (صدای داود)»، «مقام حیدری»، شعرخوانی «مست عشق»، «مقام کیخا»، «آی ایشیقی (روشنایی ماه)»، «مقام غریب و صنم»، «منی باغیشلا (مرا ببخش)»، «مقام هلیله خسرو» با اشعاری از میرزا مازون قشقایی، عوض الله صفری، ارسلان میرزایی قطعاتی هستند که در این آلبوم گنجانده شده اند.

در توضیحات این آلبوم آمده است:

«آلبوم موسیقی ایشیق یول دارای نه قطعه موسیقی فولکلوریک قشقایی و با نگرشی نو با استفاده از هارمونی و ارکستراسیون موسیقی اصیل ایرانی تنظیم و شامل چهار قطعه به صورت آوازی و پنج قطعه ضربی است.

استفاده از آکوردهای با فواصل چهارم و پنجم درست در هارمونی که با گوش شنوندگان این سبک مانوس است درکنار به کارگیری سازهای کوبه ای کوک پذیر مانند تیمپانی و همچنین انتقال پویایی سیر حرکت فواصل موسیقایی در بخش های میانی هارمونی از ویژگی هایی است که آهنگساز کوشیده ضمن حفظ اصالت درپچه ای نو به این نوع موسیقی باز کند.

تک نواز کمانچه و خواننده مسعود نامداری است که تک نوازی های او با حفظ فیگوهای قدیمی این رپرتوار و نیز آرشه کشی استادانه وی و همچنین صدای خوانش با دقت در انتخاب تحریرهای مناسب و صداسازی متناسب با سبک خاص موسیقی از نقاط مثبت این اثر به حساب می آید.

مسعود نامداری نوازنده کمانچه، نوازنده ویولن اول، نوازنده سه تار قشقایی، علی اصغر بهرامی آهنگساز و تنظیم کننده، نوازنده تار، هم خوان و سازهای الکترونیک، فهیمه نجفی گوینده، فاطمه نامداری گوینده، فرح نامداری هم خوان، امیراسرسلان نامداری نوازنده تمبک و سازهای کوبه ای، آیدا نامداری هم خوان، نوازنده ویولن دوم و ویولا گروه نوازندگان این آلبوم را تشکیل می دهند.



■ مرگ سناتور ویرانی طلب آمریکایی، لیندزی گراهام، این روزها به سرعت به یکی از داغ‌ترین، پربحث‌ترین و در عین حال دوقطبی‌ترین موضوعات در بستر رسانه‌های اجتماعی و به طور ویژه شبکه اجتماعی ایکس تبدیل شده است. گراهام که برای بیش از دو دهه به عنوان یکی از ستون‌های اصلی جریان تندرو، مداخله‌جو و موسوم به «شاهین‌های جنگ» (War Hawks) در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شد، با مواضع به شدت سرسختانه و تهاجمی خود در قبال خاورمیانه و تحریم‌های همه‌جانبه، همواره فضایی مملو از تنش و مرزبندی‌های عمیق سیاسی پیرامون خود ایجاد کرده بود. نگاهی به کارنامه طولانی‌مدت او نشان می‌دهد که این سیاستمدار آمریکایی هیچ‌گاه ابایی از بیان عریان‌ترین و خشن‌ترین ایده‌های نظامی نداشت؛ از پیشنهاد‌های مکرر برای ممبران اتمی ایران و نابودی زیرساخت‌های حیاتی آن گرفته تا وضع تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی که مستقیماً سفره و معیشت مردم عادی را هدف قرار می‌داد، و همچنین تحریک علنی به راهاندازی درگیری‌های مسلحانه داخلی و خیابانی در شهرهای ایران. او در این راستا بارها با جریان موسوم به پهلوی‌چی دیدار کرده بود و تصاویری از او در حال تکان دادن پرچم جملی شیروخورشید نیز به جا مانده است.

تحلیل و رصد دقیق جریان‌های تولید محتوا در شبکه اجتماعی ایکس پس از انتشار خبر مرگ او، از یک شکاف ساختاری، عمیق و شگفت‌انگیز میان افکار عمومی بین‌المللی و جریان‌های خاص اپوزیسیون ایرانی پرده برمی‌دارد. در حالی که افکار عمومی در سطح جهان و در میان کاربران مستقل غربی، مرگ او را به عنوان پایان یک کابوس نظامی‌گری و فرصتی برای صلح ارزیابی کرده و با چاشنی طنز سیاه و استهزا به استقبال آن رفتند، یک طیف خاص از اپوزیسیون خارج‌نشین ایران، دچار نوعی شوک عاطفی، سردرگمی سیاسی و سوگواری افراطی شده است.

از جهتم چه خبر؟در فضای بین‌المللی و در میان کاربران غیرایرانی، اتسفر حاکم بر شبکه اجتماعی ایکس به هیچ عنوان شبیه به فضای مرسوم عزاداری برای یک سیاستمدار کهنه‌کار نبود. برعکس، کاربران خارجی با تکیه بر مواضع پیشین گراهام و علاقه‌مندی بی‌حومرز او به افروختن آتش جنگ در نقاط مختلف دنیا، مرگ او را به سوز‌های بی‌پایل برای خلق شوخی‌های تلخ، گزنده و استهزای ساختار سیاسی آمریکا تبدیل کردند. بخش عمده‌ای از محتوای تولیدشده توسط چهره‌های رسانه‌ای، کم‌دین‌ها و تحلیل‌گران مستقل غربی، حول محور سناریوسازی‌های طنزآمیز دربارۀ وضعیت این سناتور در جهان آخرت و مواجهه او با فرشتگان یا خدایان اساطیری شکل گرفت؛ بسیاری از این طنزها نیز به طور خاص متمرکز بر همجنس‌گرا بودن او در دوران زندگی‌اش بود. با یک سرچ ساده در شبکه ایکس به راحتی می‌توان گفت پرترکارترین واژه در میان این کاربران، کلیدواژه hell یا همان جهنم است. در این میان، واکنش «جنگ اویگور» (Jonah Uhligler)، مجری و فعال معروف رسانه‌ای غربی، یکی از پربازدیدترین نمونه‌ها در فضای مجازی بود. او با لحنی به شدت تمسخرآمیز و کنایه‌الود در صفحه خود نوشت که لیندزی گراهام احتمالاً بلافاصله پس از ورود بهبرزخ و دنیای پس از مرگ، به سراغ «هادس» (خدای اساطیری مردگان و زیرزمینی) رفته تا او را متقاعد کند که باید هرچه سریع‌تر یک حمله نظامی همه‌جانبه را علیه قلمرو «ژئوس» و «پوزیدون» آغاز کند. این مجری در ادامه ریشخند

شاهکار جدید پهلوی‌چی‌ها در «ایکس»

خود، از زبان گراهام خطاب به خدای مردگان نوشت که نگران نباشید، این جنگ فقط دو هفته طول می‌کشد و اصلاً هم نیازی به اعزام نیروی زمینی ندارد! این نوع محتوای خلاقانه و گزنده، مستقیماً به ده‌ها وعده‌های دروغین، تک‌تاری و بی‌سرانجام گراهام و هچ‌کراش در واشنگتن اشاره داشت که همواره پیش از شروع هر فاجعه نظامی در عراق، افغانستان یا لیبی، به افکار عمومی جهان وعده یک پیروزی برق‌اسا، کم‌هزینه و سریع را می‌دادند. بفرمایید، این هم یک یکشنبه فوق‌العاده! موج واکنش منفی به کارنامه جنگ‌طلبی گراهام تنها به فعالان رسانه‌ای محدود نماند، بلکه به لابه‌ای مختلف جامعه هنری و سلبریتی‌های بین‌المللی نیز سرایت کرد. یکی از تندترین و صریح‌ترین واکنش‌ها متعلق به «ایام کانینگهام»، بازیگر سرشناس و محبوب ایرلندی بود که بسیاری او را با ایفای نقش ماندگار «لاووس سی‌ورث» در سریال «بازی تاج و تخت» می‌شناسند. کانینگهام بدون هیچ‌گونه پنهان‌کاری یا استفاده از واژه‌های دیپلماتیک و محافظه‌کارانه، حس واقعی و عمیق خود را از پایان عمر این سناتور ابراز کرد. او با بازنشر خبر رسمی مرگ سناتور آمریکایی، در بیانی کوتاه اما تکان‌دهنده نوشت: «لیندزی گراهام مرد، یکشنبه خوبی داشته باشید!» این بازیگر و نیز کاربرانی که از یکشنبه خوب صحبت کردند درواقع اشاره داشتند به مصاحبه چندماه قبل گراهام با یک شبکه خبری در واکنش به شهادت رهبر شهید ایران. گراهام آن روز را یکشنبه خوب قلمداد کرده بود و حالا به زعم کاربران مجازی، یکشنبه خوب، همین حالاست! این موضع‌گیری عریان و سرشار از خرسندی از سویی ایام کانینگهام، به سرعت ترند شد و به عنوان مجوزی برای سایر کاربران عادی شبکه اجتماعی ایکس عمل کرد تا آن‌ها نیز بدون لکنت، خشم چندین‌ساله خود را تخلیه کنند. پس از این پست، سیل عظیمی از تصاویر ادیت‌شده، کاریکاتورها و انیمیشن‌هایی که گراهام را در حال سقوط به اعماق آتش جهنم و در کنار شیاطین نشان می‌دادند، فضای مجازی را پر کرد.همزمان با این موج استهزا، بخش دیگری از نخبگان رسانه‌ای غربی تلاش کردند تا به نقد ساختاری کارنامه این سیاستمدار بپردازند و ایده سنتی و جزمی «احترام به مرده تحت هر شرایطی» که برخی از همسویان گراهام مطرح میکردند را زیر سؤال ببرند. در این بخش، اکانت تحلیل‌گر معروف بین‌المللی و بنیان‌گذار رسانه‌های مستقل، «مایک آدامز» که در فضای مجازی با شناسه (Health Ranger / Mike Adams) شناخته می‌شود، یادداشتی تند را منتشر کرد. آدامز صراحتاً نوشت که من فقط و فقط زمانی به مردگان احترام می‌گذارم که آن‌ها در زمان زنده بودنشان، به جان، مال و امنیت انسان‌های زنده احترام گذاشته باشند. او با مرور کارنامه سیاه این سناتور، گراهام را یک «تاجر مرگ» نامید که در طول حیاتش از ایده بمباران اتمی ایران و نابودی کامل غزه به وجد می‌آمد و برای خون‌ریزی بیشتر لابی می‌کرد؛ در نتیجه از نظر آدامز و طیف وسیعی از دنبال‌کنندگانش، چنین فردی سزاوار هیچ‌گونه احترامی پس از مرگ نیست و کارنامه او باید با بی‌رحمی تمام نقد شود.

در کنار این مواضع، اکانت رسانه‌ای بین‌المللی «مشکات» (Meshkat) با انتشار تصویری نمادین از بازدیدهای نظامی سابق گراهام از تسلیحات و هواپیماهای جنگی، زاویه دید دیگری را مطرح کرد. این رسانه نوشت این تصویر متعلق به گراهام تا همین ۴۸ ساعت پیش بود؛ فردی که طوری روی زمین راه می‌رفت و فرمان صادر می‌کرد که انگار مالک مطلق کل زمین و جان انسان‌هایی است که روی آن قدم



می‌گذارند، اما امروز او از تمام آن قدرت عاری شده و روی زانوهایش در برابر دادگاه عدل الهی ایستاده است. علاوه بر این، چهره‌های مذهبی و فعالان حقوق بشر مسلمان در عرصه بین‌المللی نیز سکوت نکردند. «دکتر عمر سلیمان» (Dr. Omar Suleiman)، اندیشمند و فعال حقوق بشر شناخته‌شده، با یادآوری جملات وحشتناک گراهام که در جریان جنگ‌های اخیر خواهان نابودی کامل غزه همانند وضعیت توکیو و برلین در جنگ جهانی دوم شده بود، نوشت: «خداحافظا لیندزی، امیدوارم به خاطر تمام ویرانه‌هایی که در غزه و جهان به بار آوردی یا از آن‌ها حمایت کردی، ابدیت خود را در میان همان ویرانه‌ها سپری کنی.» این واکنش‌ها نشان داد که جهان، مرگ گراهام را نه یک ضایعه، بلکه رهایی زمین از یک عنصر بی‌ثبات‌کننده می‌داند.

در این میان بسیاری از کاربران گمانه زنی‌های مختلفی را درباره علت مرگ گراهام به شوخی و جدی مطرح کردند. تعدادی از کاربران نیز هوش مصنوعی شبکه ایکس موسوم به Grok را منشن کردند و پرسیدند: «شروک! آیا ایران در مرگ لیندزی گراهام نقش داشته است؟» که این هوش مصنوعی در جواب همان خبر اولیه مبنی بر مرگ بر اثر یک بیماری ناگهانی را به کاربران نشان میداد. یتیم‌های اپوزیسیون در سوگ عمو اما با عبور از فضای بین‌المللی و ورود به اتمسفر فارسی‌زبان شبکه اجتماعی ایکس، با پدیده‌ای کاملاً متناقض، عجیب و در عین حال عبرت‌آموز مواجه می‌شویم. بررسی دقیق پست‌ها و تعاملات کاربران ایرانی نشان می‌دهد که فضای مجازی کشور به دو بخش کاملاً مجزا تقسیم شد؛ در حالی که اکثریت کاربران و مساب‌های تحلیلی به افشای مواضع ضدایرانی گراهام و ضرباتی که او به منافع ملی و اقتصاد ایران وارد کرده بود می‌پرداختند، طیف موسوم به پهلوی‌چی و اپوزیسیون تندروی خارج‌نشین دچار نوعی ترلز، شوک روحی و عزاداری اغراق‌آمیز شد. این جریان که سال‌هاست تمام استراتژی سیاسی خود را بر پایه لابی‌گری با تندروترین عناصر واشنگتن و گدایی تحریم و جنگ استوار کرده است، با مرگ گراهام یکی از اصلی‌ترین تکیه‌گاه‌های خود را از دست رفته دید.در همین راستا، کاربری با انتشار پستی سرشار از احساسات و غم، تصویر مشترک و معروفی از رضا پهلوی در کنار لیندزی گراهام را بازنشر کرد؛ تصویری که در آن سناتور آمریکایی با لبخند ژست پیروزی گرفته و فرزند شاه مخلوع در کنار او ایستاده است. این کاربر در متن خود، لیندزی گراهام را با عنوان عجیب «سناتور لیندزی حامی انقلاب مردم ایران» توصیف کرد و با قرار دادن سه ایموجی قلب مشکی، مرگ او را «به طرز مشکوکی» قلمداد کرد



صنعت بازی‌سازی، روایتگر جنگ

■ بازی‌های ویدیویی امروز تنها یک ابزار سرگرمی نیستند؛ بلکه به دلیل ماهیت تعاملی خود، به یکی از اثرگذارترین ابزارهای فرهنگی تبدیل شده‌اند. برخلاف بسیاری از رسانه‌ها که مخاطب در آن‌ها صرفاً نقش تماشاگر دارد، در بازی‌های ویدیویی مخاطب با مشارکت مستقیم، در روایت بازی سهیم می‌شود و همین ویژگی، قدرت انتقال پیام و ماندگاری مفاهیم را بیشتر می‌کند. بنابراین از ظرفیت بازی‌سازی می‌توان برای روایت وقایع تاریخی، معرفی قهرمانان، تبیین مفاهیمی همچون مقاومت، ایثار و دفاع از میهن و حتی بازنمایی تقابل حق و باطل استفاده کرد. سال‌هاست که برخی بازی‌های ویدیویی غربی، به‌ویژه آثاری که با محوریت ارتش آمریکا ساخته می‌شود، روایتی خاص از تحولات جهان ارائه می‌کنند و نیروهای نظامی این کشور را در جایگاه ناجی ملت‌ها به تصویر می‌کشند؛ روایتی که می‌تواند بر ذهنیت نسل جدید تأثیر بگذارد. در مقابل، بازی‌سازان ایرانی نیز تلاش کرده‌اند از همین ظرفیت برای روایت نگاه خود به رخدادهای منطقه و انتقال مفاهیم فرهنگی و تاریخی استفاده کنند.

بازی موبایلی «اولین قهرمان» یکی از این تلاش‌هاست؛ اثری اکشن و روایت‌محور که نسخه آزمایشی آن به‌تازگی منتشر شده است. داستان بازی، مأموریت یک پاسدار ایرانی را برای حضور در فلسطین دنبال می‌کند و با استفاده از پلان‌های سینمایی، روایت را در کنار گیمیفی پیش می‌برد. سازندگان این بازی معتقدند صنعت بازی‌سازی یکی از مؤثرترین ابزارهای فرهنگی برای انتقال روایت جنگ و معرفی قهرمانان به نسل‌های آینده است. به همین بهانه با مجتبی همت‌دوست، گرافیست و طراح کاراکتر بازی «اولین قهرمان»، درباره روند تولید این اثر و ظرفیت بازی‌های ویدیویی در روایت جنگ و مقاومت به گفت‌وگو پرداختیم:

* ایده اولیه بازی «اولین قهرمان» چگونه شکل گرفت؟

ایده و تولید بازی «اولین قهرمان» از رویداد تولید محتوای دیجیتال بسیج آغاز شد. رویداد تولید محتوای دیجیتال بسیج، رویدادی با محوریت تولید بازی‌های ویدئویی، انیمیشن و نرم‌افزارهای موبایل است. در این رقابت، تمام تیم‌ها موظف‌اند در ۴۸ ساعت یک اثر خلاقانه بسازند و تولید کنند. تیم ما موضوعی را انتخاب کرد که بر اساس یکی از بیانات رهبر شهید انقلاب در تاریخ ۵ آذر ۱۴۰۳ در دیدار با بسیجیان بود، با تمرکز بر این ایده، موفق شدیم نسخه اولیه بازی «اولین قهرمان» را در همان بازه ۴۸ ساعت تولید کنیم. خوشبختانه این اثر مورد توجه داوران قرار گرفت و توانست رتبه نخست این رویداد را کسب کند.

ما در زندگی واقعی، قهرمانان بزرگی را می‌شناسیم؛ از رهبر شهید انقلاب گرفته تا شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی که هر یک برای مردم ما نماد ایستادگی و مقاومت هستند. اما در فضای بازی‌های موبایلی، شخصیت‌هایی که با الهام از چنین مفاهیمی خلق شده باشند بسیار اندک‌اند. به همین دلیل تصمیم گرفتیم شخصیتی را طراحی کنیم که به‌عنوان یک قهرمان در دنیای بازی‌های موبایلی، با الهام از مفهوم مقاومت، در برابر دشمن آمریکایی-صهیونیستی با قاطعیت ایستادگی و مبارزه می‌کند. از این منظر نام بازی را نیز «اولین قهرمان» انتخاب کردیم؛ زیرا معتقد بودیم این شخصیت می‌تواند یکی از نخستین نمونه‌های این نوع قهرمان‌پردازی در فضای بازی‌های موبایلی باشد.

* در نسخه آزمایشی بازی که اخیراً منتشر شده، شاهد پلان‌های سینمایی هستیم. آیا هدف شما تولید یک بازی روایت‌محور بوده؟ این پلان‌ها قرار است چه پیام‌ها یا مفاهیمی را به مخاطب منتقل کنند؟

بله، طمعاً از همان ابتدا هدف ما تولید یک بازی روایت‌محور بود. تلاش کردیم داستان بازی صرفاً به گیم‌پلی محدود نشود، بلکه مخاطب از طریق روایت و پلان‌های سینمایی با فضای بازی و مأموریت شخصیت اصلی ارتباط برقرار کند. در داستان بازی، شخصیت اصلی براساس مأموریتی که از فرمانده خود دریافت می‌کند، برای انجام یک مأموریت به فلسطین اعزام می‌شود و بازیکن در طول بازی این مسیر را همراه او تجربه می‌کند. این روایت به ما کمک می‌کند تا علاوه بر ایجاد جذابیت داستانی، مفاهیم مورد نظر را نیز به‌صورت طبیعی در روند بازی منتقل کنیم.

شخصیت اصلی بازی نیز یک پاسدار بازنشسته است. در طراحی چهره این کاراکتر، از ویژگی‌های ظاهری شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی الهام گرفته‌ایم؛ زیرا ایشان نماد شجاعت، ایثار و مقاومت و از خودگذشتگی هست. پلان‌های سینمایی و موسیقی متن نیز با همین رویکرد طراحی شده‌اند تا در کنار روایت داستان، حس مسئولیت، ایثار، مقاومت و امید را به مخاطب، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، منتقل کنند و تجربه‌ای فراتر از یک بازی صرفاً سرگرم‌کننده را برای آن‌ها رقم بزنند.

* در زمینه گرافیک بازی، چطور توانستید از طریق طراحی محیطی و فضا‌سازی حس مقاومت یا فضای ملموس فلسطین را به بازیکن منتقل کنید؟

در استودیوی ما هر یک از اعضای تیم مسئولیت مشخصی بر عهده دارند و هر بخش به‌صورت تخصصی روی حوزه خود فعالیت می‌کند. در زمینه طراحی گرافیک و فضا‌سازی بازی نیز گرافیست تیم تلاش کرد محیطی خلق کند که حس مقاومت و فضای میدان نبرد را به‌خوبی به مخاطب منتقل کند. برای رسیدن به این هدف، پیش از آغاز طراحی، مستندها و تصاویر مرتبط با جبهه‌های جنگ را مورد مطالعه و بررسی قرار داد تا شناخت دقیق‌تری از فضا و جزئیات آن به دست آورد. سپس با الهام از این منابع، طراحی محیط، انتخاب رنگ‌ها و عناصر بصری را انجام داد. همچنین استفاده از طیف‌های مختلف رنگ سبز و نمادهای مرتبط با فضای مقاومت، از جمله مواردی بود که به ایجاد هویت بصری بازی و انتقال حس مورد نظر به بازیکن کمک کرد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاپی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی
تلفن | ۰۲۱۸۶۵۵۲۵۸ _ ۰۹۹۳۱۲۶۶۳۴ آگهی ها | ۰۲۱۸۶۵۵۲۵۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | صمیم _ ۴۴۵۸۲۸۴



ستاره صربستان به شهداب پیوست

🔴 با اعلام باشگاه شهداب یزد و پس از انجام مذاکرات، میلویتین...
نجیچ دریافت کننده قدرتی ۳۰ ساله و ملی پوش سابق رده های پایه صربستان، با امضای قراردادی به تیم والیبال شهداب یزد پیوست تا ارزشمند ترین بازیکن (MVP) دو فصل گذشته لیگ والیبال صربستان دومین بازیکن خارجی نماینده پرافتخار شهر جهانی یزد در فصل ۰۶-۱۴۰۵ باشد.

🔴 نجیچ سابقه حضور در باشگاه های ستاره سرخ بلگراد، پارتیزان بلگراد، سن کانتین فرانسه، CSM کنستانتسا رومانی، السد قطر، اوکی نیش و رادیشکی کراگویواتس را در کارنامه دارد و بیش از یک دهه در بالاترین سطح والیبال اروپا و رقابت های CEV به میدان رفته است.

🔴 این دریافت کننده قدرتی در طول دوران حرفه ای خود، سه عنوان قهرمانی لیگ برتر صربستان، سه قهرمانی جام حذفی صربستان و سه قهرمانی سوپر جام صربستان را همراه با ستاره سرخ بلگراد و رادیشکی کراگویواتس کسب کرده است.

🔴 وی همچنین با تیم ملی زیر ۲۱ سال صربستان، عنوان قهرمانی مسابقات بالکان را به دست آورده و اکنون با تجربه ای ارزشمند از والیبال اروپا، به جمع شهدایی ها اضافه شده است.



«کجابودی؟»

گفتگو یعنی حفظ رابطه با یک شخص، بدون از دست دادن هویت و استقلال فکری و هیجانی؛ یعنی افراد داخل یک خانواده بتوانند ارتباط خوبی با یکدیگر برقرار کنند یا افراد در جامعه و گروه ها بتوانند ارتباطی موثر و سازنده با هم داشته باشند

۷

روایتگر جنگ

بازی های ویدیویی امروز تنها یک ابزار سرگرمی نیستند؛ بلکه به دلیل ماهیت تعاملی خود، به یکی از اثرگذارترین ابزارهای فرهنگی تبدیل شده اند. برخلاف بسیاری از رسانه ها که مخاطب در آن ها صرفا نقش تماشاگر دارد،

۶

هفته سرنوشت ساز والیبال ایران

تیم ملی والیبال ایران در هفته سوم رقابت های لیگ ملتهای ۲۰۲۶ که از ۲۴ تا ۲۸ تیرماه به میزبانی صربستان برگزار می شود، باید برابر تیم های آلمان، اسلونی، اوکراین و ترکیه به میدان برود. شاگردان روبرتو پیاتزا در پایان دو هفته نخست این رقابت ها با کسب ۲ پیروزی و ۶ شکست در جایگاه چهاردهم جدول رده بندی قرار دارند و در هفته سوم کار دشواری در پیش خواهند داشت. تیم ملی ایران در هفته سوم علاوه بر تلاش برای تثبیت جایگاه خود و قطعی کردن بقا در لیگ ملتها، نیمه گاهی نیز به صعود به مرحله پلی آف دارد. هرچند تحقق این هدف تنها به نتایج ایران وابسته نیست و عملکرد سایر مدعیان در تعیین هشت تیم صعودکننده نقش خواهد داشت، اما کسب حداکثر امتیاز از چهار مسابقه پیش رو می تواند شانس شاگردان پیاتزا را به شکل قابل توجهی افزایش دهد.

اهمیت دیدارهای هفته سوم زمانی بیشتر می شود که سه حریف ایران یعنی اسلونی، اوکراین و ترکیه هم اکنون در بین مدعیان صعود قرار دارند؛ اسلونی در رده چهارم، اوکراین در جایگاه پنجم و ترکیه در رتبه هفتم جدول ایستاده اند. پیروزی برابر این تیم ها، علاوه بر افزایش امتیازات ایران، می تواند به طور مستقیم جایگاه رقبای اصلی را نیز تحت تأثیر قرار دهد و معادلات صعود را پیچیده تر کند. در چنین شرایطی، اگر ایران بتواند سه دیدار ابتدای خود را با پیروزی پشت سر بگذارد، دیدار پایانی برابر ترکیه می تواند به یکی از حساس ترین مسابقات هفته سوم و حتی نبردی سرنوشت ساز برای صعود به مرحله نهایی تبدیل شود؛ دیداری که همانند فصل گذشته، ممکن است سرنوشت ایران را تا آخرین امتیاز به نتایج سایر مسابقات گره بزند. از سوی دیگر، ملی پوشان ایران برای قطعی کردن بقای خود در لیگ ملتها نیز به کسب یک پیروزی ارزشمند، ترجیحاً سه امتیازی، نیاز دارند تا بدون دغدغه از منطقه خطر فاصله بگیرند.



شرط موفقیت تیم ملی فوتبال در جام ملتها

نکرده ایم و تنها حسرت خوردیم. اگر می خواهیم در این تورنمنت آسیایی موفق باشیم باید پا به سن گذاشته ها را کنار گذاشته و خونی تازه در رگ های تیم ملی تزریق کنیم.

باید دست به جوانگرایی زده و به بازیکنان جوان اعتماد کنیم. وقت آن است که آینده و موفقیت فوتبال ملی را با جوانان ضمانت کنیم و به جوانان میدان دهیم. بیانی با انتقاد از عملکرد ضعیف مدیران استقلال در فصل نقل و انتقالات گفت: در حالی که همه تیم ها در حال جذب بازیکن هستند و تیم رقیب به سرعت در حال جذب بازیکن است مدیران استقلال سکوت کرده یا در خواب غفلت هستند.

مدیران استقلال اگر تعلل کنند بازیکنان با کیفیت به تیم های متمول پیوسته و دست استقلال خالی خواهد ماند.

آبی پوشان شاید فراموش کرده اند که در لیگ قهرمانان آسیا حضور دارند و باید با غول های آسیا مبارزه کنند.

استقلال باید هرچه زودتر نفرات مورد نظر کادر فنی را جذب کند در غیر این صورت سال سختی پیش رو خواهد داشت.

شاهین بیانی در مورد کار سخت سهراب بختیاری زاده با استقلال گفت: او در سخت ترین شرایط به استقلال آمد و این تیم را تنها نگذاشت.

حالا وقت آن است که مدیران استقلال از او حمایت کرده و خواسته های او را اجابت کنند. بختیاری زاده لیست بازیکنان مورد نظرش را داده پس باید مدیران استقلال خیلی زود بازیکنان مد نظر کادر فنی را جذب کرده تا از قافله نقل و انتقالات عقب نمانند. اگر بازیکنان جدید جذب نشوند بطور حتم بختیاری زاده رودرروی هواداران قرار خواهد گرفت و کار برای او سخت خواهد شد.



برترین های کشتی سنتی لوچو

🔴 به نقل از روابط عمومی فدراسیون ورزش روستایی، عشایری و بازی های بومی محلی، مسابقات کشتی سنتی لوچو روز ۲۶ تیرماه در روستای بندپی شهرستان بابل استان مازندران برگزار خواهد شد.

🔴 در این دوره از رقابت ها، کشتی گیران در اوزان منفی ۷۰، منفی ۸۰، منفی ۹۰، منفی ۱۰۰ کیلوگرم و بخش سرپهلوانی (وزن آزاد) برای کسب عنوان قهرمانی با یکدیگر رقابت خواهند کرد.

🔴 برگزاری این مسابقات در راستای پاسداشت و ترویج ورزش های بومی و سنتی، حفظ میراث فرهنگی ورزش ایران و تقویت نشاط اجتماعی در مناطق روستایی و عشایری انجام می شود و فرصت مناسبی برای نمایش جلوه های اصیل کشتی ایرانی فراهم خواهد کرد.

🔴 علاقه مندان به ورزش های سنتی و آیین های پهلوانی می توانند با حضور در محل برگزاری مسابقات در روستای بندپی بابل، از نزدیک شاهد اجرای فنون کشتی لوچو، یکی از اصیل ترین شیوه های کشتی ایرانی، باشند.

